تصویر ابو عبد الرحمن الکردي

مهارت‌های تیـز و ریـز معلّمی

تألیف: مسعود جوانمردی



بسم الله الرحمن الرحیم

مهارت‌های تیز و ریز معلمی

تألیف: مسعود جوانمردی

سرشناسه:	جوانمردی، مسعود.
عنوان نام پدیدآور:	مهارت‌های تیز و ریز معلمی/ تألیف مسعود جوانمردی.
مشخصات نشر:	سنندج: کانی، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۱۳۵ص.
شابک:	۹۷۸ـ۶۰۰ـ۹۲۲۱۲ـ۵ـ۷
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیپا
موضوع:	معلمان ـ ـ اخلاق حرفه‌ای
موضوع:	معلمان ـ ـ روابط با شاگردان
رده‌بندی کنگره:	LB۱۷۷۹/ج۹م۸ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی:	۳۷۱/۱
شماره کتابشناسی ملی:	۲۳۴۷۶۳۷

- نام کتاب: مهارت‌های تیز و ریز معلمی
- تألیف: مسعود جوانمردی
- ناشر: کانی
- تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰
- قیمت: ۲۵۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸ـ۶۰۰ـ۹۲۲۱۲ـ۵ـ۷
- صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: شرکت توسعه‌ی کتاب، سنندج، ۰۸۷۱۲۲٦٤٥٤٥
- مرکز پخش: سنندج، پاساژ عزتی، طبقه‌ی ۱، کتاب‌سرای زانکو، تلفن: ۰۸۷۱۲۲۲۷۸۰۳

تقدیم به:
روح قدسی مرحوم پدرم
بهانه‌ی تقدیر از مهربانْ همسرم
به فرزندان گُلم: کوثر و دریا
و نیز به برادرزاده‌ام: پارسا.

فهرست مطالب

معلمان عزیزم بدانید که:

- ☒ یک کلمه بدون رعایت نزاکت ممکن است سرنوشت شخص را تباه سازد.
- ☒ یک کلمه شفقت‌آمیز ممکن است انسان دل‌شکسته و مأیوس را نوید حیات دهد.
- ☒ یک کلمه محبت‌آمیز ممکن است موجب خوشبختی بزرگی باشد.
- ☒ یک کلمه موهن ممکن است جنایتی به بار آورد.
- ☒ یک کلمه سنجیده ممکن است درس عبرت بزرگی باشد.
- ☒ یک کلمه نسنجیده ممکن است حیاتی را به باد فنا دهد.
- ☒ یک کلمه به موقع ممکن است کلید موفقیتی باشد.
- ☒ یک کلمه از دل برآمده ممکن است دلی را شاد کند.

پیامبر اکرم (ص): «نیکو سؤال کردن نصف علم است».

کانت: (۱۸۰٤) در میان ابداعات بشر دو تا از بقیه مشکل تر است:

۱ـ هنر حکومت داری

۲ـ هنر تعلیم و تربیت

مقدمه

بی‌شک معلمی از مشاغل مقدس و گرامی است و آرزوی هر کسی این است که خداوند توفیقش را فراهم کند که معلمی را نصیبش کند. و این به دلیل اهمیت و انبیایی بودن این شغل می‌باشد و اداره موفق کلاس در طول تدریس شرط ضروری تدریس مؤثر است. مساعد ساختن کلاس برای یادگیری فعال و مؤثر، مهارت پیچیده و دشواری است که معلم باید بیاموزد و مدام بر معلوماتش در این مورد بیفزاید. شاید کلاس‌داری تنها مدیریتی است که انتخاب چندین نقش را همزمان ایفا می‌کند مانند اداره کلاس، اداره اشخاص، اداره مکان، اداره زمان؛ اداره دروس، همکاری در اداره مدرسه، همکاری با خانواده ها، اداره ارتباط‌ها و ایفای ناگریزانه همین نقش‌ها طبعاً همه قشرهای جامعه را برمی انگیزد که انتظارات زیاد و گوناگونی از معلم داشته باشند. علاوه بر انتظارهایی که خود معلم از خویشتن دارد بدیهی است که برای موفقیت در این گونه مدیریتهای رنگارنگ تنها آشنایی

با علوم رفتاری و اجتماعی کفایت نمی کند بلکه مستلزم خلاقیت یا هنرمندی شخص معلم است. از این رو گفته‌اند که مدیریت هم علم است هم هنر. علم طبعاً مبانی نظری، اصول و روش‌های مدیریت را در بر می گیرد و هنر موارد کاربردی یا انتقال دادن علم به عمل را شامل می‌شود. عامل تکمیلی در همه انواع تدریس و در همه مقاطع آموزشی، که مورد قبول معلمان و مدیران می‌شود عامل مدیریت کلاس است. میان انواع متعدد مدیریت‌ها می‌توان مدیریت آموزشی را پیچیده‌ترین مدیریت‌ها تلقی کرد و به سبب همین پیچید گی است که می گویند مدیریت آموزشی مدیریتی است بی‌نظیر. مهارتی که علم و هنر را با هم لازم دارد و در دنیای امروز مستلزم یادگیری، تمرین و تجربه جدی است.

از میان مدیریت‌های آموزشی، مدیریت کلاس‌داری یا همان فن کلاس داری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که اگر بتوان در کلاس مدیری موفق باشد حتماً آموزگاری موفق خواهد بود و نظام آموزش هر کشوری به دست معلمان آن کشور شکل گرفته و سامان می یابد. در این میان هر اندازه سطح دانش ـ توانایی ـ مهارت‌ها و تخصص آنان بالاتر باشد آن نظام موفق تر و مؤثر تر خواهد بود.

بدون شک یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های هر سازمانی، بویژه در نظام تعلیم و تربیت نیروی انسانی آن سازمان است که در این میان نقش معلم برجسته و مهم تر است. نادیده گرفتن حضور معلم یا بی‌توجهی به نقش و تأثیر او در فرآیند تعلیم و تربیت نه فقط تحقق اهداف را به چالش‌های اساسی مواجه می کند بلکه عملاً آموزش و

پرورش ماهیت و فلسفه وجودی خود را هم از دست خواهد داد.

بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته، نقش محوری تعلیم و تربیت به ویژه معلمان را در پیشرفت آموزش عمومی به عنوان تنها عامل توسعه اجتماعی پذیرفته و سرمایه گذاری‌های عظیم و درازی مدت در این زمینه انجام داده‌اند. مثلاً در نیوزلند، شورای معلمان مسئول تأیید مجدد برنامه‌های تربیت معلم در سراسر این کشور است و تمامی برنامه‌های تربیت معلمی که به صدور مجوز تدریس منتهی می‌شود باید هر پنج سال یک بار توسط این شورا تصویب شود و در این خصوص شورا از کمک سایر نهادهای تضمین کیفیت مانند دانشگاهها و نهاد تشخیص صلاحیت این کشور بهره می گیرد.

امروزه دیگر معلمان به خودی خود یگانه منبع اطلاعاتی، اخلاقی و فرهنگی دانش آموزان محسوب نمی شود. پیچیده شدن جوامع بشری، گسترش اطلاعات و روز افزونی آن، تعداد راههای دست یابی سهل و سریع به دانش روز، تخصصی تر شدن حرفه‌ها و مشاغل، احساس نیاز به همخوانی میان توانایی فرد و نوع حرفه و نیاز مراکز و سازمانها به افراد ماهر و دارای تبحر صلاحیت‌های حرفه‌ای قابل قبول و منطبق با شرایط و ویژگی‌های جامعه و نیز افزایش جمعیت دانش آموزی که به طور مستقیم بر ارتباط تنگاتنگ و عاطفی میان معلم و دانش آموز تأثیر منفی خواهد گذاشت. زمینه بازنگری در شیوه‌های تأمین به کارگیری، نگهداری و حمایت از معلمان را فراهم و احساس نیاز و ضرورت پرداختن به آن را بیش از گذشته نمایان می کند.

اینجانب با وجود فراوانی آثار و کتب در این زمینه و با توجه به

تدریس چند ساله و تجربه ۲۰ ساله تدریس در ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاه و تدریس در دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان متوجه شدم که که نیاز به کتابی سهل و آسان در این زمینه احساس می‌شود بنابراین به نوشتن آن اقدام، امید است مورد قبول علمای تعلیم و تربیت و همکاران ارجمند قرار گیرد و نقایص آنرا با کرامت و شرافت خود بر بنده ببخشایند.

دی ماه ۱۳۸۹
مسعود جوانمردی فوق لیسانس
فلسفه آموزش و پرورش

بخش یکم: ویژگی‌های لازم برای معلم شدن

یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر یادگیری و تدریس معلم می‌باشد. معلم خوب و به تمام معنی می‌تواند بر عناصر و عوامل دیگر آموزشی ارجحیت دارد و حتی می‌تواند ضعف کتاب‌های درسی را جبران کند و با تدابیر عاقلانه‌ای که می‌اندیشد مکان حزین را به فضای دلنشین و جذاب با حداقل امکانات برای فراگیران فراهم کند.

در مدارس ما به محض به صدا در آمدن زنگ تمامی شاگردان از روی سر همدیگر و معلم می‌پرند و سعی می‌کنند که نفر اول در خروج از کلاس و مدرسه باشند. چرا دانش آموز ما اینگونه رفتار می‌کند؟ چرا فضای کلاس را مانند زندان می‌دانند که می‌خواهند از آن خارج شوند؟ چرا آنها دنبال تعطیلی (هر چند تعطیلات در ایران هم کم نیست) می‌گردند؟ دانش آموزان ما قبل از معلمین یک مدرسه می‌دانند که فلان روز و ساعت جلسه شورای دبیران و... می‌باشد. پاسخ این سؤالات روشن و واضح است. معلمین ما اگر بخواهند می‌توانند این بیزاری و عدم علاقه شاگردان را در مدرسه و درس جبران نمایند پس معلمین توانا با شناسایی عوامل بیزاری و مدرسه گریزی (به طور کلی عبارتند از ضعف نظام آموزشی، ضعف خانواده ها، مشکلات فرهنگی و کمبود وسایل و فضای آموزشی، استفاده از روش‌های نامطلوب آموزشی و... می‌باشد.) می‌توانند ضعف‌های گفته شده را جبران و به قول گاندی دیواری از انسانیت و محبت را دور

مدارس بکشند که با وجود آسانی هیچ کس از آن فرار نکند؛ بدین لحاظ در این قسمت و به جهت اهمیت مهمترین ویژگی‌ها و خصوصیات لازم را برای معلمی به شرح ذیل بیان می کنیم.

الف: ویژگی‌های جسمانی و روانی:

این خصوصیت از ویژگی‌های اصلی و ضروری برای تدریس است که شامل سلامت ابعاد مختلف شخصیت از جنبه‌های جسمی، روانی، فرهنگی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، رفتاری و... می‌باشد.

خصوصیات فوق در آموزش و پرورش کودکان تأثیر مستقیم دارد و ظاهر بی‌آلایش و ساده‌ی معلم می‌تواند الگوی رفتار مورد پسند دانش آموز واقع شود.

فردی که به بلوغ اجتماعی و عاطفی نرسیده و اسیر خواسته‌ها و تمایلات کودکی است و به قول فروید (۱۹۳۹) در نهاد مانده است و یا قضاوت‌های او بجای حاکمیت تعقل هنوز بر احساسات بچه گانه استوار است یا شخصی که کمرو و ترسو است و از روزگار می‌نالد و نمی تواند راه‌های خلاقانه‌ای برای حل مشکلات خود داشته باشد. چگونه می‌تواند معلم موفقی باشد بعضی از ویژگی‌های جسمانی عبارتند از:

الف ـ ۱ ـ سلامت بینایی

لازم است دید معلم کامل باشد تا خلاف کاری‌های دانش آموزان

از دید او پنهان نماند و بتواند در موقع لزوم برخورد مناسب و شایسته هر رفتار را انجام دهد و یا اینکه در خواندن متون و تصاویر اگر دچار اشکال شود می‌تواند از عوامل مزاحم کلاس باشد.

الف ـ ۲ ـ سلامت شنوایی:

شنوایی هم مانند بینایی از لوازم اصلی آموزش برای حرفه معلمی است تا از مزه پرانی‌های شاگردانش بی‌خبر نباشد و عوامل مزاحم کلاس را شناسایی کند.

الف ـ ۳ ـ سلامت دست و پا:

دست وسیله‌ای است که بیشترین کاربرد را در تدریس دارد د همواره در دست معلم است جهت توضیح در نوشتن و دست دادن و... و سلامتی پاها هم لازم و ضروری است.

الف ـ ٤ ـ خوش‌تیپی و قیافه مناسب در شأن معلمی:

این ویژگی در بسیاری از کشورها مانند فرانسه و پاکستان از شرایط اصلی استخدام معلمان می‌باشد و در درجه اول این شغل شریف قرار دارد. معلم از نظر قد و وزن باید متناسب باشد نه زیاد کوتاه قد و نه زیاد چاق یا لاغر.

الف ـ ۵ ـ سلامت روانی:

برای تمامی مشاغل و بویژه این شغل مقدس معلمی سلامت روان

اهمیت ویژه‌ای دارد. معلمی که روان سالمی نداشته باشد نمی تواند الگوی خوبی برای شاگردان باشد و یا شاگردان سالمی را تحویل اجتماع نماید. معلم بایدشخصی باشد. آرام و مسلط به اعصاب خود تا بتواند تفاوت‌های فردی شاگردان را تحمل و از عهده شرایط سخت معلمی برآید.

الف ـ ٦ ـ سلامت اجتماعی:

(یک ضرب‌المثل چینی می گوید اگر به تظاهر هم بود باید رعایت حرمت بعضی از فرهنگها را داشت) معلمان ما هم در روستاهای مختلف با فرهنگ‌های متفاوت سروکار دارند باید به بلوغ اجتماعی رسیده و توانایی تحمل خرده فرهنگها را داشته باشند در غیر اینصورت مورد پذیرش و احترام واقع نخواهند شد و سبب جدایی والدین و مدرسه خواهند شد.

هر هنر که استاد بدان معروف شد
جهان شاگردش بدان موصوف شد[1]

ب: ویژگی‌های علمی:

مهمترین و اساسی‌ترین عامل برای ایجاد توصیف مطلب در تحقق اهداف آموزشی معلم است. معلم می‌تواند بهترین موقعیت و موضوع

---

۱ . مولوی

تدریس را با عدم آگاهی و دانش به محیطی غیر جذاب و غیر فعال تبدیل کند. بی‌شک آگاهی فراوان علمی معلم بهترین پشتوانه وی درمقابل شاگردان است.اگر خدایی ناخواسته دانش آموزان بهفمند که معلمی درمطلبی کمی و کسری علمی دارد بیشترین سوء استفاده از معلم درآن موقع می‌شود کنترل کلاس او از دست او خارج می‌شود ومورد تمسخر قرار می گیرد.

لازم است معلمین با مطالعه کافی درکلاس حاضرشوند و بر مطالب مورد تدریس اشراف داشته باشند.تسلط برمحتوا وموضوع درس از مهمترین ویژگی‌های معلم است با وجود اینکه دامنه علوم حتی دریک رشته خاص بسیاروسیع وگسترده می‌باشد و کمتر کسی می‌تواند به همه آن‌ها دست یابدلازم است که معلم حداقل درمطالبی که تدریس می کند مسلط باشد (شعبانی ۱۳۷۹) اوبرای رسیدن به چنین منظوری باید مطالعه مستمر و دائم داشته باشد اگر معلمی درمسائل علمی ضعیف باشد و نتواند به پرسش‌های شاگردان پاسخ درست ولازم بدهد قطعاً شکست خواهد خورد معلم همواره باید برآگاهی ودانش خود بیفزاید او باید درزمینه کارخود بایافته‌های جدید مرتبط سازد اگر معلمی غفلت کند ناچاراً به تکرار مکررات باید بپردازد وآن هم خسته کننده می‌باشد.

شاید این جمله را شنیده باشید که «علم تاریخ مصرف دارد»بلی این جمله صحیح می‌باشد و بعضی از مطالب علمی تاریخ مصرف آنها گذشته ونباید برای شاگردان تجویز نماییم پس معلم باید علم روز داشته باشد و مدام اهل تحقیق و تفحص باشد برای مثال چند سال

گذشته می‌گفتند هرکس ورزش کند و آب بخورد قلبش از کارمی ایستد اما امروزه می‌گویند آب خوردن درهنگام ورزش و بعد از ورزش سبب فعالیت منظم تر قلب می‌شود. این مثال و هزاران مثال دیگر می‌رساند که معلمان به دانش و اندوخته خود نباید قانع باشند بلکه تشنه علم و مطالعه گردند. معلم هر چند دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ناتوان باشد نمی تواند مورد قبول شاگردان واقع شود. معلمی از نظر علمی قوی تر است که به روش‌های ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط آگاه و بر آنها مسلط باشد. معلم باید از نظریه‌های جدید ارتباطی، دانش جدید روان شناسی، روان شناسی تدریس و یادگیری، روان شناسی اجتماعی و... آشنا باشد تا ویژگی‌های خاص طبقات اجتماعی شاگردان را تا حدودی بشناسد و با توجه به شناخت و ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان به برنامه ریزی فعالیت‌های آموزشی بپردازد.[۱]

انتخاب روش تدریس باید متناسب با اصول آموزش و پرورش و خصوصیات شاگردان باشد زیرا وظیفه معلم فقط درس دادن و پرسیدن و امتحان گرفتن نیست بلکه یکی از وظایف مهم او همکاری و راهنمایی تمامی شاگردان جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت میباشد. معلمی که با انواع روش‌های مختلف تدریس آشنایی دارد می‌داند و می‌تواند آنها را در موقعیت مناسب و بنا به موضوع درس و ویژگی‌های شاگردان بکار گیرد تا آنها به کلاس علاقه مند

۱ . همان منبع

گردند. انتخاب روش‌های نامناسب تدریس و فقط استفاده از یک روش معمول که شاگردان کلاس را زندان می‌انگارند و به محض زنگ خوردن پا به فرار می گذارند.

از آنجا که جامعه پیچیده و پویا به انسان‌های اندیشمند و باریک بین نیاز دارد معلم باید سعی کند ذهن شاگردان را از حالت سستی و رکود و ثبات خارج کند و آنان را با آرمانهای ارزشمند انسانی آشنا سازد. معلم آگاه به کمک دانش فراوان خود تلاش می کند تا جامعه را از حالت ایستا به پویا و متحرک وا دارد و آنها را به سمت پیشرفت و ترقی برساند. دانش آموزانی که می‌دانند معلم آنها تسلط علمی زیادی دارد و علاوه بر رشته خود در زمینه‌های دیگر هم آگاه است و دانش گسترده‌ای دارد به تلاش بیشتر دست می‌زنند و اینجاست که معلم خود را الگو قرار می‌دهد و سعی می کند مانند معلمش باشد و تمامی حرکت‌ها و رفتارهای ریز معلم را زیر نظر می گیرد و سعی می کند که عین معلمی شود که با سواد و آگاه است.

نه تنها معلم خوب همیشه اهل تحقیق و تعمق است و در اوقات مناسب شبانه روز مستمر به مطالعه می‌پردازد و به قول فردوسی:

زمانی میاسای ز آموختن	
	اگر جان همی خواهی افروختن
نگهدار تن باش و آن خرد	
	چو خواهی که روزت به بد نگذرد

و شاگردانش را هم به مطالعه و تحقیق تشویق می کند و البته

شاگردان نصیحت معلمی که به آگاهی علمی و فنی وی ایمان دارند با کمال میل می‌پذیرد و تجربه این را به اثبات رسانده. دانش غنی معلم پشتوانه‌ی عظیمی برای وی در میان همکاران و شاگردان می‌شود و به مدد آن مورد احترام کامل قرار می گیرد و معمولاً هر پیشنهادی که می‌دهد مورد پذیرش جمع قرار می گیرد.

معلم هم باید از فنون و مهارت‌های آموزشی آگاه و قادر به تحلیل فرآیند آموزشی باشد و با استفاده از امکانات موجود آموزشگاه روش تدریس خود را انتخاب کند و با روشهای صحیح تدریس و فنون کلاس داری کاملاً آشنا باشد تا بتواند شرایط مطلوب یادگیری را فراهم کند او باید قبل از شروع تدریس قادر باشد هدفهای تدریس خود را به طور صریح و روشن معین کند تا بتواند تدریس هدف داری داشته باشد.

معلم لازم است آشنایی گسترده‌ای با دانش روانشناسی تفاوت‌های فردی داشته باشد و بپذیرد که افراد همان گونه که در ظاهر با هم مختلف اند از نظر ذهنی هم مشابه یکدیگر نیستند در یک کلاس درس ممکن است شاگردی همزمان و به محض پایان درس مطلب را یاد بگیرد و همکلاسی او احتیاج به توضیح چند باره‌ی معلم داشته باشد. معلم نباید فوری برچسپ تنبل و... به این دانش آموزان بزند و به جای دستگیری آنها سبب شود که واقعاً به تنبلی روی آورند.

یک استاد و معلم، یک دانشور باید همواره از بحث و تحقیق خواندن و نوشتن و مطالعه بازنماند مواردی مانند سن و سال، کار و شغل دیگر، گرفتاری‌ها و مشغله‌ها وی را از کار اصلی اش روگردان

نسازد بلکه بکوشد از هر موردی بهانه و وسیله‌ای برای بالا رفتن آگاهی‌های علمی خود را فراهم نماید، از پرسیدن و تحقیق به ستوه نیاید. بالا رفتن مقام علمی و یا غیر آن نباید او را از ادامه یادگیری بازدارد. کم نبوده‌اند کسانی که مطالب فراوانی را از شاگردان خود آموخته‌اند.

علم آموزی و علم آموختن مکمل همدیگرند معلم باید از تمام توان علمی خود برای یادگیری و راهنمایی شاگردانش استفاده کند و هر آن چه در توان دارد خودداری نکند و تمام آموخته هایش را بر حسب نیاز و ضرورت به شاگردانش انتقال دهد. سعدی می‌فرماید:

بار درخت علم ندانم بجز عمل

با علم اگر عمل نکنی شاخ بی‌بری

علم آدمیت است و جوانمردی و ادب

ورنه ددی به صورت انسان مصوّر

امروزه آشنایی معلمین عزیز با دانش رایانه بسیارلازم و ضروری به نظر می‌رسد و هیچکس نمی تواند اثر ICT را بر یادگیری انکار کند. و به قول جبران خلیل تنها در کسی علم است که نباید قناعت کرد.

ج: ویژگی‌های فنی و حرفه‌ای

هر حرفه‌ای را فنی است معلمی هم فنونی لازم دارد. تا در کار خود موفق باشد و بتواند دانش آموزانش را به اهداف عالی تعلیم و

تربیت برساند. و این ویژگی برای معلمی بسیار لازم و ضروری است متأسفانه در جاهای مختلفی معلمینی یافت می‌شوند از سر ناچاری به معلمی روی می‌آورند و چندان علاقه‌ای به معلمی ندارند و به مسائل فنی و تکنیکی معلمی ناآشنا هستند و باعث افت تحصیلی و روحی و روانی فراگیران می‌شوند بعضی از ویژگی‌های فنی برای معلم به قرار زیر است.

ج ـ ۱: علاقه‌مندی به شغل مقدس معلمی:

در هر کاری علاقه حرف اول را می‌زند معلمی که به کار خود ایمان ندارد و مدام از کم و کاستی‌های معلمی می گوید نمی تواند فردی موفق باشد. معلمی موفق است که به کار خود عشق بورزد و معلمی را در دریافت پول و مزد و اضافه کاری خلاصه نمی کند و (که عاشق معلمی است) شاگردان این مسائل را بخوبی درمی یابند و معلمی را الگو قرار می‌دهند که عاشق معلمی است و معلمی را شغل و کاسبی و درآمد و ثروتمند شدن نمی داند بلکه معلمی را به قول شهید مطهری هنر و علاقه‌ای می‌داند که دانش آموزان را به مقاصد عالی تعلیم و تربیت می‌رساند.

ج ـ ۲: علاقه‌مندی به دانش آموزان:

معلمی موفق است که دانش آموزانش را دوست بدارد و به آنان علاقه داشته باشد. علاقمندی و دلسوزی هم به عنوان یک الگو تأثیر بسیار مثبتی در جلب علاقه‌ی شاگردان به درس دارد. این علاقه‌مندی

هم از طریق رفتارهای کلامی و هم رفتارهایی غیر کلامی به شاگردان منتقل می‌شود. معلمی موفق است و می‌تواند انگیزه زیادی ایجاد کند که هم به کارش و هم به شاگردانش علاقه مند باشد.

ج ـ ۳: شیک پوش:

شیک پوشی به معنای لباس گران به تن کردن نیست بلکه به معنی پوشیدن لباس تمیز و تازه می‌باشد معلمی که می‌خواهد الگوی دانش آموزانش باشد باید با سرو وضع مرتب در کلاس درس حاضر شود تا مورد تمسخر بعضی از دانش آموزان قرا نگیرد. شیک پوشی در واقع یکی از ویژگی‌های فنی است که معلم می‌تواند به وسیله آن کلاس را کنترل کند زیرا اگر لباس و کفش نامرتب باشد خود سوژه هایی برای ایجاد بی‌نظمی در کلاس می‌شود.

ج ـ ٤: خوش اخلاقی:

یکی دیگر از ویژگی‌های فنی معلم خوش اخلاقی است و اقعاً اخلاق فنی است برای یاددادن و آموزش، فنی که می‌تواند دانش آموزان را مانند موم در اختیار معلم قرار می‌دهد. بی‌شک یکی از فنون علاقه مند کردن دانش آموز به درس و مدرسه اخلاق نیکوست چنانچه خداوند به پیامبر می‌فرماید اگر تند خو و خشن بودی مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند.

دانش آموزان مدام از اخلاق معلمان صحبت می‌کنند و کلاس معلمی را دوست دارند که حرمت آنها را نگه می‌دارد و با احترام با آنها رفتار می‌کند. انسان در هر سنی به محبت نیاز دارد حتی در

میانسالی و پیری هم اگر از کسی محبت و احترام ببیند آنرا می‌پسندد چه رسد به دوران تحصیل و کودکی و نوجوانی.

ج ـ ۵: آشنایی با اصول تعلیم و تربیت:

از فنون لازم حرفه معلمی آشنایی با اصول فلسفه تعلیم و تربیت دین اسلام و سایر مکاتب می‌باشد تا از این طریق موجبات تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت را بیشتر و بهتر فراهم سازد.

آشنایی با این اصول سبب می‌شود که رفتار معلم با دانش آموزان تحت ضابطه خاص درآید و به توقعات فی ما بین شاگرد و معلم نظم منطقی می‌دهد. دیگر فایده این آشنایی ایجاد علاقه‌ای است که معلم نسبت به تدریس پایه و درس مورد نظر به دست می‌آورد.

ج ـ ٦: اشراف بر موضوع تدریس:

اگر اطلاعات معلم از درسی که تدریس می‌کند کافی باشد می‌تواند براحتی از عهده کنترل کلاس برآید و به سؤالات گوناگون فراگیران پاسخ دهد. بدبختی معلم زمانی شروع می‌شود که شاگردان پی به بی‌سوادی معلم در درسی که تدریس می‌کند ببرند از این به بعد معلم از ابهت و عظمت می‌افتد و هر بی‌حرمتی که بخواهند به معلم می‌کنند و معلم نمی تواند نظم منطقی را در کلاس ایجاد کند و دیگر حرف هایشان برای آنها اعتبار ندارد و با انواع توهین‌ها و بهتان‌ها گرفتار می‌شود پس همان گونه که گفته شد مطالعه مستمر و مداوم لازمه فنون معلمی است.

ج ـ ۷: علاقه‌مندی به شرکت در دوره‌های ضمن خدمت:

می‌دانیم که مطالب و مسائل علمی و آموزشی همواره تغییر می کند. یک معلم همواره باید در جریان این تغییر و تحولات علمی و آموزشی قرار گیرد.

ج ـ ۸: عدالت معلم:

یکی دیگر از خصوصیات و فنون معلم توانا عدالت و داوری درست می‌باشد. معلم واقعی مانند یک قاضی عادل در کلاس درس. در تدریس، در تقسیم نگاه، در ارزشیابی از دانش آموزان به عدالت رفتار می کند و از هر گونه تعصب نامعقول نسبت به واقعیت ها، اشخاص و حتی خودش دوری می کند معلم عادل نظر شخصی خود را بر سایر مطالب علمی ارجحیت نمی دهد.

ج ـ ۹: آگاهی از روش‌های تربیتی:

از فنون مهم و ویژگی لازم برای معلمی آشنایی با انواع روش‌های تربیتی می‌باشد. معلم توانا به موقع تشویق و تنبیه می کند از انواع روش‌های تربیت مانند محبت، تکریم شخصیت، تشویق شفاهی، کتبی، گروهی، دادن لوح تقدیر، جایزه، معرفی به دفتر، ثبت اسامی در تابلو، نشان دادن فیلم و اردو و... به درستی استفاده می کند.

معلم آگاه از حرفه معلمی برای کسب موفقیت هر چه بیشتر در کار خود باید به تمامی روش‌های تشویق و تنبیه آشنا بوده و از هر یک از آنها به موقع و به اقتضای زمان و مکان استفاده کند. به گفته خلیل جبران«تشویق مانند خورشید است و تنبیه مانند ماه. تا نور خورشید

باشد ماه منور نیست (در این مورد در فصول بعدی توضیح بیشتری داده شده است)».

ج ـ ۱۰: رعایت تفاوت‌های فردی:

قرآن می‌فرماید: «و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض» هر دانش آموز انسانی منحصر به فرد است به این دلیل بسیار روشن که هیچ‌گاه موقعیت خانواده، مشکلات، امکانات، علایق، استعدادها و سایر شرایط محیطی و وراثتی و سازنده شخصیت افراد یکسان و مساوی نیست. بنابراین خیلی مهم است که معلم تفاوت‌های دانش آموزان را بپذیرد و این واقعیت را در تدریس، نوع برخورد و چگونگی رفتار با هر یک لحاظ کند.

همان گونه که انسانها در ظاهر با هم متفاوتند از نظر شخصیتی و توان یادگیری هم با هم فرق می‌کنند. معلمان خوب و موفق تفاوت‌های فرد را قبول دارند و در عین باور به توان یادگیری دانش آموزان این نکته مهم را نیز درک می‌کنند که آنها به دلیل تفاوت‌های فردی به طور متفاوت می‌آموزند. برخی از آنها از نظر یادگیری دیداری هستند. بعضی به صورت انتزاعی و گروهی از راه خواندن بهتر یاد می‌گیرند. بنابراین معلم باید روش و رویکرد آموزشی (چند بعدی) را اتخاذ کند.

معلم آگاه می‌داند که هر فردی خودش است و در تعین تکلیف و انتظارات فرد تفاوت‌های فردی را مد نظر قرار می‌دهد و از هر دانش آموز به اندازه توانایش توقع دارد و به این طریق در راه شکوفایی

استعدادهای فطری و بالقوه هر فرد در محیط آموزش و جهت به فعلیت درآمدن توانایی‌های افراد تلاش می کند.

اگر گفته شود که انسان همیشه از تفاوت‌های موجود میان همنوعان خود آگاهی داشته، سخن گزافی نیست و در پی این آگاهی به نظریه‌های مختلف، معتقدات یا خرافات مربوط به علل اساسی اینگونه تفاوت‌ها دست یافته است و به تناسب زمینه ذهنی خود به تغییر آنها پرداخته، پس معلوم است که در تمام اعصار و قرون حقیقت وجود آنها را پذیرفته است (سروری ـ ٨٤).

ج ـ ۱۱: امانتداری:

از صفات ارزنده انسانها خصلت امانتداری است. طبق فرمایش پیامبر اکرم (ص): لا ایمان لمن الا امانه له. به طور کلی امانتداری مهم‌ترین حرفه معلمی است اگر شاگردان بفهمند که معلم رازنگه دار آنهاست و تمامی درون و دل خود را برای معلمشان باز خواهند کرد. چون امانتداری فقط جنبه ظاهری و مادی نیست بلکه تمامی راز و رمزهای درونی را هم شامل می‌شود و بدین صورت معلم می‌تواند به درد دل شاگردان گوش کند و اگر توانست در صدد حل و رفع مشکلات آنها برآید چه بسیار معلمان بوده‌اند که توانسته‌اند شاگردان خود را دستگیر بوده و از گمراهی برهانند و یکی از صفات بارز مؤمنین به قول قرآن امانتداری است.

حال که صحبت از امانتداری باشد لازم است که بپرسیم بزرگترین امانتی که به معلم سپرده می‌شود چیست؟ این امانت موجودی جاندار،

گرامی و شریف به نام انسان است: چه امانتی بالاتر و مهم تر از انسان که به قول قرآن خلیفه خدا در زمین و اشرف مخلوقات خداوند می‌باشد موجودی که امانتداریش مشهور است. در روز ازل پذیرفته که امانتدار باشد. «فابین ان یحملها فعلها الانسان» این مسئولیت کار معلمی را سنگین تر می کند پس جزء پر مسئولیت‌ترین کارها و مشاغل می‌باشد. امانتداری در موجودات جاندار تنها حفظ و حراست آنها نیست بلکه پرورش دادن تمامی استعدادهای آنان می‌باشد. معلمان باید توجه داشته باشند که امانتداری تنها درس دادن نیست بلکه شناسایی تمامی جنبه‌های آدمی است و پرورش زمینه‌های فطری و خدادادی انسان‌ها می‌باشد.

د ـ ویژگی‌های ارتباطی

د ـ ۱: ارتباط با سایر معلمین:

معلمی موفق است که بتواند در موارد لازم نظر سایر همکاران را جویا شود و در تکوین اهداف آموزشی و درسی با دیگر معلمان همکاری خوبی داشته باشد. غرور و تعصب را له کند و برای نظر درست همکارانش احترام و اعتبار قائل است. تجربه نشان داده در محیط‌های که در میان همکاران تعاون و ارتباط بیشتری وجود دارد دانش آموزان با علاقه بیشتری در کلاس درس حاضر شده‌اند و میزان موقعیت آنها بالاتر است.

د ـ ۲: ارتباط با مدیر و کارکنان مدرسه:

معلم برای بهتر شدنش و انجام تدریس بهتر و مطلوب تر نیازمند ارتباط مؤثر با مافوقانش و از جمله مدیر می‌باشد. اطلاع از چهار چوب قوانین و مقررات، آئین نامه‌های مختلف مدارس، آئین امتحانات، جشنواره‌ها و.. که از طریق مدیر و کارکنان مدرسه صورت می گیرد. با خوردن غذا در جمع همکاران و مشارکت در کارهای مدرسه و مشورت با کارکنان، در کمک به همکاران و کمک گرفتن از آنها در فعالیت‌های جمعی شرکت می کند.

د ـ ۳: ارتباط با اولیای دانش آموزان:

معلم خوب شخصی است که جنبه اجتماعی قوی داتشه باشد. همکاری و ارتباط با اولیاء باعث آسان تر شدن کارتان خواهد شد. کاری کنید که آنها با شرکت داوطلبانه در کلاس یا پی گیری برنامه‌ی رفتار خانه با شما همکاری کنند هر چند در نگاه اول مشورت با اولیاء نوعی تهدید است اما اگر بتوانید تمامی اولیاء را شناسایی و با آنها در ارتباط باشید. کاری معجزه آمیزی انجام داده اید.

د ـ ٤: ارتباط با اداره مربوطه:

شایسته است معلمان ما بتوانند با مهارتی تمام با مسئولین مختلف در اداره و دایره‌های آن ارتباط لازم را برقرار نمایند و بتواند بنحو احسن آنچه که مربوط به حق و حقوق و بیمه و رفاه و سایر مسائل آموزش و پرورش است با ارتباط مثبت و مفید از اداره خود بگیرند.

لایپ نیتز: «معلمان می‌توانند جهان را تغییر دهند»

افلاطون (٤٢٧ قبل از میلاد): «هدف آموزش و پرورش تربیت شهروند مطلوب است».

بخش دوم: قوانین و فنون لازم در کلاس‌داری

کلاس درس در واقع محل نمایش شخصیت و علم و فن معلم میباشد. معلم باید هر چه در توان دارد در کلاس درس خرج کند و دانش آموز را محور آموزش قرار دهد نه خودش. یک معلم قبل از رفتن به کلاس به جای این که از خود بپرسد (امروز قصد دارم چه کار کنم؟) می گوید: امروز دانش آموزان می‌خواهند چه کاری انجام دهند.

در فرآیند یاددهی ـ یادگیری نقطه شروع حرکت شما به عنوان معلم و مبدأ حرکت دانش آموزان به عنوان یادگیرندگان می‌توانند بسیار متفاوت باشد. ابتدا باید بدانید دانش آموزان شما از نظر موقعیت ذهنی و شناختی کجا هستند؟ و قصد دارند از چه نقطه‌ای حرکت خود را شروع کنند تا بتوانید آن‌ها را در جهت رسیدن به هدف راهنمایی کنید. برای برقراری ارتباط مؤثر در کلاس با دانش آموزان مهارتها و فنونی وجود دارد که به ما معلمین کمک می کند که بتوانیم درست ارتباط برقرار کنیم. به موقع تدریس نمائیم. کلاسی آرام و دلنشین و

جذاب داشته باشیم که ذیلا به شرح پاره‌ای اقدام می‌پردازیم.

الف ـ قبل از ورود به کلاس

قبل از ورود به کلاس با آمادگی کامل از نظر ظاهر و علمی با نگاه کردن در آینه و بررسی وضع ظاهر وارد کلاس شوید چون اگر از نظر ظاهری نامرتب باشید دیگر تا آخر سال هر چند توانا هم باشید مورد قبول واقع نمی شوید.

معلم به تنهایی در یک کلاس در مقابل حداقل چهل چشم قرار می گیرد و چهل چشم تمامی حرکات و جهات رفتار را زیر زره بین می گذارند. اگر در بستن بند کفش، دکمه لباس، کمربند و شلوار، جوراب و یا هر مورد دیگر اشتباهی رخ داده باشد ممکن است بدان نام مشهور شود. بگویند معلمی که دکمه اشتباه یا فلان یا فلان که مطالب و مثال هایش زیاد میباشد. پس قبل از ورود به کلاس این کارها را انجام دهید.

۱ـ نگاه کردن در آینه:

لازم است در تمامی مدارس و دفاتر آینه‌های بزرگی نصب نمایند که سراسر قیافه در آن مشخص باشد و معلم از موی سر و بینی و دندان و ناخن و تا می‌رسد به کفش های پایش را خوب نگاه کند. اگر عیب و ایرادی داشت آنرا ببیند وحل نماید تا مرتب و منظم وارد کلاس شود.

۲ـ مطالعه مطالب مورد تدریس:

معلم هر چند عالم و توانا باشد بهتر است قبل از تدریس بر مطالب مورد تدریس خود مطالعه کافی داشته باشد و مطالب را حداقل روخوانی بنماید تا کلماتی که تلفظ آنها مشکل است وی را در کلاس درس دچار مشکل نسازد و اگر درس تمرین و پرسش دارد جواب آنها را قبلاً پیدا کند و کتبی که تدریس می‌کند آن کتاب‌ها را در منزل داشته باشد.

متأسفانه یکی از معایب معلمین ما این است که به مطالب مورد تدریس اشراف ندارند و گاهی در حین تدریس در مقابل سؤال ساده شاگردان بی‌جواب می‌مانند. هر چند بهتر آنست اگر جواب سؤالی را معلم بلد نبود با کمال شهامت اظهار نماید که«نمی دانم» ولی اگر سؤال مرتبط با کتاب و موضوع درس مورد تدریس باشد مشکل ساز است.

۳ـ داشتن طرح درس:

طرح درس از ضروریات و اسلحه آرام کننده میدان تدریس است. معلمی که طرح درس دارد می‌داند با چه روشی و در چه مدتی فلان موضوع را تدریس و کجای کلاس و از چه کسانی ارزشیابی بعمل آورد. باور کنید نصف تدریس مربوط به طرح درس است. طرح درس لازم نیست که به صورت سناریوی باشد که تمامی جزئیات را شامل شود. همان چهارچوبی که بدانید چه درس می‌دهید؟ و چه قدر وقت دارید؟ و چه می‌پرسید؟ کافی است.

٤ـ داشتن برنامه هفتگی کلاس:

بهتر است در ابتدای دفتر حضور و غیاب یا ثبت نمرات برنامه‌ای داشته باشید که بدانید زنگ اول... در کدام کلاس درس دارید این طوری نباشد که هر زنگ از معاون بخواهید من در کدام کلاس درس دارم؟

٥ـ حضور به موقع در مدرسه:

رعایت نظم و انضباط بسیار مهم است. لازم است معلم قبل از دانش آموزان در مدرسه حضور داشته باشد و در مراسم صبحگاهی و ظهرگاهی شرکت فعال داشته باشد و اگر ممکن بود قبل از شاگردان به کلاس وارد شود. این را تجربه کنید نتیجه آنی و عینی آن را خواهید چشید.

٦ـ حضور به موقع در کلاس درس:

بهتر است که معلم در تمام زنگ‌ها قبل از دانش آموزان به کلاس تشریف ببرد و اگر این ممکن نبود حتماً زنگ اول هر روز قبل از شاگردان در کلاس حضور داشته باشید این را آزمایش کنید تا از تمامی محاسن آن آگاهی پیدا کنید.

٧ـ داشتن دفتر نمره یا لیست نمره خصوصی:

این لیست به شما کمک می کند تا دانش آموزن را بخوبی بشناسید و ارزشیابی دقیق و کاملی از آنها بعمل آورید و در واقع نوعی سیاهه

رفتار است که تمامی نکات مثبت و منفی دانش آموز شما در آن ثبت می‌شود.

ب: در کلاس درس:

اولین روز کلاس

یک شروع خوب از سوی معلم می‌تواند از وقوع بسیاری از مشکلات و بی‌نظمی‌ها در کلاس جلوگیری کند. بنابراین حتماً به عنوان معلم باید تمام انرژی خود را به کار گیرید و تلاش کنید که اولین جلسه تدریس شما بهترین جلسه‌ی تدریس باشد. بهتر است در آغاز به طور رسمی با شاگردان برخورد کنید و به تدریج چه از لحاظ شناخت هر چه بیشتر صمیمی شوید و بتوانید تصویری از یک معلم باسواد، ماهر، مقتدر و مسلط را فراهم کنید. این بدان دلیل است که معمولاً پس از اولین جلسه درس، دانش آموزان در باره‌ی کار معلم قضاوت می‌کنند. بنابراین اولین جلسه کلاس مهم است و می‌تواند اثر آن در سراسر سال در ذهن شاگردان باقی بماند.

موفقیت و شکست هر معلم در یک سال تحصیلی به رفتار او و چگونگی کنترل و اداره کلاس در اولین جلسه بستگی دارد. اگر در اولین جلسه نشان دهید که یک معلم موفق هستید در واقع نگرش مثبتی را در ذهن شاگردان خود ایجاد کرده اید و اگر در طول سال دچار مشکل شدید هنوز تصویر و تصور مثبت جلسه اول در ذهن آنان

وجود دارد که شما یک معلم قوی هستید و می‌توانید کلاس را بخوبی کنترل نمایید.

اولین روز تدریس با حرمت و احترام و کوبیدن در وارد کلاس شوید و سلام را هیچ‌گاه فراموش نکنید. رو در روی شاگردان که قرار می گیرید حتماً چند دقیقه‌ای کلی و با همگی احوالپرسی داشته باشید. جلسه اول بسیار مهم است. سعی کنید جلسه پرباری داشته باشید بخاطر سپردن اسامی دانش آموزان در جلسه اول از عوامل مؤثر و قدرتمند اداره کلاس است بسیاری از روش‌های مدیریت با داشتن نام دانش آموزان کامل می‌شود. یادگیری اسامی حتی چند نفر معلم را باهوش و زیرک جلوه می‌دهد. وقتی شما نام دانش آموزی را با اسم کوچکش صدا می‌کنید سبب یک پیوند عاطفی می‌شود و به خود اجازه نمی دهد که نظم کلاس را به هم بزنند.

هم چنین اگر شما بخواهید به سرعت اسامی شاگردان را یاد بگیرید آنها می‌فهمند که شما علاوه بر داشتن حافظه قوی، به آنها علاقه دارید و می‌توانید بخوبی اداره کلاس را بر عهده بگیرید. چون یادگیری اسامی دانش آموزان برای بعضی از معلمان به دلیل تعداد زیاد دانش آموزانی که دارند و تدریس در کلاسهای گوناگون و مدارس مختلف کاری طاقت فرسا است. اینک به بیان برخی از روشها برای یادگیری سریع اسامی می‌پردازیم.

۱ـ در اولین جلسه درس از شاگردان بخواهید تا هر کدام خود را معرفی کنند. اولین فایده این کار این است که شما تلفظ صحیح اسامی آنها را یاد می گیرید و هم چنین کمک می کند تا اسم‌های آنها را به

خاطر بسپارید.

۲ـ با ترتیب مسابقه‌ای بدین شرط هر کس در جلسه اول اسامی زیادتری از هم شاگردیهایش را بیان می کند (تشویق می‌شود) هم سبب تکرار اسامی می‌شود و هم نوعی صمیمیت در بین آنها برقرار می‌شود چون معمولاً بچه‌های مدارس از جاهای مختلف شهر می‌آیند و همدیگر را نمی شناسند خصوصاًپس از ارتقاء به مقطع بالاتر

۳ـ می توان از دانش آموزان خواست تا در جلسه اول اسامی خود را تهیه کرده و به میزشان بچسپانند بدین صورت وقتی معلم دانش آموزی را صدا می‌زند می‌تواند بین چهره او و اسمش رابطه برقرار کند.

در همان جلسه اول فرمی تهیه کنید که در آن فرم مشخصات کامل فرد مانند نام ـ نام خانوادگی ـ نام پدر ـ شغل پدر ـ میزان درآمد ـ تعداد برادران و تعداد خواهران ـ شغل و تحصیلات آنها ـ فرزند چندم خانواده ـ سابقه بیماری مزمن و آدرس و تلفن را از آنها بگیرد و به صورت محرمانه آنرا نگهداری نماید و به آنها اطمینان دهید که کاملاً محرمانه نگهداری می کنید تا اطلاعات درست و کافی به شما ارائه نمایند. اهمیت این فرم علاوه بر شناسایی و معرفی کامل خود و خانواده اش در طول سال تحصیلی به شما امکان می‌دهد که بیشتر آنها را بشناسید و با آنها در ارتباط باشید و شناسایی کاملی است که می‌توانید متناسب با شخصیت ایشان برخورد داشته باشید.

بیشترین وظایف معلم مربوط به کلاس درس است. معمولاً این وظایف در آئین نامه‌های آموزشی دوره‌های مختلف تحصیلی نیز درج

شده است و پس از تصویب شورای عالی آموزش و پرورش ابلاغ می‌شود.

بعضی از مهم‌ترین وظایف معلم در کلاس به شرح ذیل می باشد (صافی ۱۳۸۸)

- نظارت کامل به رفتار و کردار دانش آموزان و ارشاد آنان با توجه به شیوه‌های تربیت اسلامی
- آماده کردن وسایل لازم برای تدریس و تشریح موضوعات درس
- حضور به موقع در کلاس درس و داشتن طرح درس و تدریس مواد بر اساس تقویم زمانبندی
- برقراری و حفظ نظم در کلاس و گروه بندی دانش آموزان به منظور پیشرفت تحصیلی آنان
- توجه به وضع تحصیلی ـ اخلاقی و تربیتی شاگردان
- رسیدگی به حضور و غیاب شاگردان و گزارش غیبت آنان به دفتر مدرسه
- رعایت موازین و شئون اسلامی در اخلاق، گفتار، رفتار
- آگاهی کامل از وقررات آموزش، انضباطی و اداری آموزشگاه
- جلوگیری از بی‌نظمی و درگیری دانش آموزان با همدیگر
- ایجاد فضای آرام و صمیمی
- شناخت دانش آموزان
- ایجاد انگیزه

عمل به وعده‌ها:

همواره کلاس درس را جدی بگیرید و با جدیت درس را شروع کنید قبل از تدریس وسایلی که لازم است (بعنوان کمک آموزشی که تدریس نیاز دارد) فراهم نمائید و روش تدریس متناسب با هر درس، هر موضوع را به اجرا درآورید. سعی کنید ماژیک و گچ را با خود به کلاس ببرید و دانش آموزان را بدین منظور کمتر به دفتر بفرستید.

در کلاس درس به قول هایی که می‌دهید حتماً وفا کنید و اگر قرار است امتحان بگیرید حتماً این کار را انجام دهید مگر اینکه دانش آموزان اکثراً آماده نباشند و به تشخیص خودتان آنرا به جلسه دیگر موکول نمایید به شرط آنکه دیگر تمدید نکنید و سعی کنید هر جلسه ارزشیابی کتبی یا شفاهی داشته باشید اگر چه از چند نفر محدود هم باشد، این کار سبب می‌شود تا شاگردان همواره با آمادگی به کلاس وارد شوند و می گویند فلانی حتماً مانند جلسات گذشته می‌پرسد یا امتحان می گیرد.

وضع قوانین ساده کلاس:

در جلسه اول سعی کنید مطالب و مواردی از کارهایی که می خواهید انجام دهید در پای تخته بنویسید و آنرا به صورت قانون درآورید. این کار از تجربیات بنده می‌باشد که بسیار جوابگو است برای داشتن کلاسی آرام و منظم و درس خوان و قانون مند و علاوه بر آن زمینه‌ای است برای قانون مند کردند آنها.

تنظیم و ارائه قوانین عملی و ساده در ابتدای سال تحصیلی به دانش آموزان یکی از تدابیر روشنگرانه است که تأثیر بسزایی در برقراری نظم در کلاس دارد. اما این نکته بدان معنی نیست که تنها زمان مناسب برای قانون گذاری انضباطی ابتدای سال است. هر تغییر یا اتفاقی می‌تواند بهانه‌ای برای اصلاح یا تکمیل قانون‌مندی کلاس باشد و بدیهی است که این قوانین بنابر وضعیت کلاس، معلم، شاگردان و بسیاری شرایط دیگر می‌تواند متفاوت باشد اما بعضی قوانین وجود دارد که رعایت آنها برای تمامی کلاس‌ها لازم و ضروری می‌باشد.

قوانین قابل اجرا:

قانون یکم: موبایل خاموش:

امروزه گسترش ارتباطات و موبایل علاوه بر هزاران فایده‌ای که دارد می‌تواند عاملی در اختلال نظم و یادگیری در کلاس‌های ما باشد. با وضع این قانون به دانش آموزان اعلام نمایید که موبایل به کلاس نیاورید یا اگر آوردید خاموش کنید (لازم است که خود معلم در کلاس این قانون را رعایت کند تا بتواند با قدرت آن را اجرا نماید.)

قانون دوم: قطع نکردن سخن دیگران:

یکی از مهم‌ترین رفتارهایی است که انتظار دارید دانش آموزان بدان پایبند باشند معمولاً دانش آموزانی که برای پایان یافتن نظر و سخن دیگران منتظر نمی ماند جزو افرادی هستند که با دقت به نظر

دیگران گوش نمی دهند و ترجیح می‌دهند افکار خود را ترویج دهند همین امر باعث می‌شود که یادگیری آنها روند کندی داشته باشد. معمولاً چنین نظراتی با عجله مطرح و کامل نیستند و موجب انحراف و دقت دیگر فراگیران می‌شود. با وضع این قانون هنر گوش دادن را به آنان می‌آموزیم.

قانون سوم: نحوه چینش شاگردان:

بهتر است چینش فراگیران به صورت نیمدایره در کلاس باشد تا معلم به آنها اشراف داشته و تمامی حرکات آنها را مد نظر قرار دهد. این امر باعث می‌شود که دانش آموزان خاطی که در اکثر مدارس وجود دارند نتواند مخل نظم و آسایش سایرین قرار گیرند، و به آنها تذکر می‌دهیم که هیچ کس حق جابجایی صندلی خود را ندارد مگر با کسب اجازه معلم در کلاس که این امر باعث نظم ویژه‌ای می گردد.

قانون چهارم: قانون عدم تأخیر و نداشتن غیبت:

وضع این قانون در ابتدای سال باعث می گردد که سعی کنند غیبت نداشته و خود را در وقت مشخص به کلاس برسانند و به آنها متذکر می‌شویم که از اولیاء مدرسه جهت مرخصی و مجوز استفاده کنند. لازم است خود معلم هم این قانون را رعایت کند. با اجرای این قانون توسط معلم و شاگردان نتیجه جالب آنرا عملی درک خواهید کرد و اگر شاگردی تأخیر داشت با طرح یک پرسش از او در مورد موضوع تدریس ایشان را به جرگه تدریس وارد کنید و هم این کار نوعی تنبیه است که سعی می کند تکرار نداشته باشد این بهتر است تا اینکه به او

گیر دهیم که چرا دیر آمده؟چرا...

قانون پنجم: امتحان و ارزشیابی:

در جلسه اول شیوه تدریس، شیوه امتحان، نوع امتحان، چگونگی و زمان برگزاری امتحانات مستمر، هفتگی و ماهانه را با آنها قرار دهید و تأیید آنها را از شاگردان بخواهید و آنچه در این مورد لازم و ضروری است برای آنها توضیح و خودتان عامل بدان شوید و تخطی ننمائید.

قانون ششم: قاطعیت داشتن:

معلم خوشرو و مسلط برخود همواره پل ارتباطی خوبی بین خود و شاگردانش ایجاد می‌کند، که این امر به توجه بیشتر دانش آموزانش می‌انجامد. چنین معلمی هرگز از قدرت و علم و شأن خود نمی گوید و اگر یادآوری یک تجربه شخصی را لازم بداند آنرا به دور از خودنمایی و به اختصار بیان می‌کند که دانش آموزان در کلاس او احساس کنند که ممکن است مورد پرسش واقع شوند و به این ترتیب ذهن آنها همواره درگیر موضوع درس است. و هم چنین رفتار انعطاف پذیر او موجب می‌شود که در عین آنکه با قاطعیت تکالیف را بازنگری پی گیری میکند و در برخورد با دانش آموزان آنهایی که خواسته اش را اجرا نکرداه‌اند ضمن جویا شدن علل، رفتار متناسب با آن را داشته باشد.

از دیگر قوانین ساده می‌توان به احترام به نظرات دیگران ــ نحوه خروج از کلاس و روش‌های تشویق و تنبیه و احترام به معلم و به هم کلاسان ـ انجام تکالیف میباشد و... که با تدبیر عالمانه‌ای توسط معلم

انجام گردد.

همه کسانی که درباره‌ی مدیریت کلاس درس مطلب نوشته‌اند بر این عقیده‌اند که معلمان باید سیاست انضباطی خود را اعمال کنند و در این مورد همواره ثابت قدم باشند. تنها بدین طریق است که دانش آموزان انتظاراتی که معلمان از آنها دارند برآورده خواهند ساخت و رفتارهای مناسب را بدون نظارت و دخالت مستقیم معلم نشان خواهند داد. ناگفته پیداست که طرح این مقررات با زبان مثبت سبب ایجاد علاقه‌ی پذیرش و پای بندی دانش آموزان به معلم و شرکت فعال در کلاس درس است باید توجه داشت مقررات وضع شده نباید آنقدر زیاد باشد که سبب محدودیت فعالیت‌های یادگیری آنان شود، بلکه باید دقیق، روشن و قابل انعطاف باشد به طوری که دانش آموزان به سادگی بدانند به چه رفتارهایی در کلاس درس ترغیب و از چه رفتارهایی منع شده‌اند.

ج ـ هنگام تدریس:

به محض مشاهده علایم خستگی در دانش آموزان و حواس پرتی آنان جریان تدریس یا پرسش را قطع کرده و به آنها اجازه دهید از جای خود بلند شده کشش عضلانی داشته نفس بکشند و دقایقی کوتاه آزاد باشند. (در وسط تدریس) اگر به این موضوع رسیدگی نشود و تدریس کنیم در واقع کاری بیهوده و بی‌ثمر را دنبال خواهیم کرد.

ـ قبل از تدریس درس جدید خلاصه مطالب قبلی برای دانش آموزان گفته شود و آنان را به هم ربط داد و یادگیری معنی دار را ایجاد کرد. (آزوبل ۱۹۶۳)

ـ با آمادگی کامل به تدریس بپردازید و دروسی را که تدریس می‌کنید از قبل حتما مرور کنید از نظر تلفظ کلمات، لغات، روان خوانی، جواب تمرینات و پرسش‌ها را از قبل وارسی کنید تا در کلاس با مشکل مواجه نشوید.

ـ روش تدریس را از قبل انتخاب کنید و با بهره گیری از روش‌های مختلف و تلفیق و ترکیب روش‌ها، کلاسی جذاب داشته باشید و خصوصاً روش تدریس ایفای نقش برای دروسی که امکان دارد (توسط دانش آموزان) منظور خود و موضوع را سریعتر و بهتر منتقل کنید بهتر است جلسه قبل قرار ایفای نقش، موضوعات و شرکت کنندگان مشخص شود چون برای رفع کمرویی روش مناسبی است. زیاد استفاده شود. (صفوی ۱۳۷۴).

ـ به صلاح دید معلم می‌توان هر جلسه یکی از دانش آموزان را به ترتیب انتخاب کرد تا مطالبی در راستای درس را به دانش آموزان ارائه دهد (این کار را دانش آموزان کنفرانس می‌گویند) اگر معلم بتواند اهداف این کار را کاملاً تشریح و زمینه‌های آنرا فراهم نماید شاگردان هم بدان علاقمند خواهند شد در صورتیکه همه کلاس در برنامه شرکت نمایند عواملی مانند تمسخر دیگران، اضطراب و استرس به تدریج کمتر خواهد شد.

ـ در هنگام تدریس ارزشیابی تکوینی را فراموش نکنید و از

کاراترین تشویقها همان تشویق ساده و لفظی می‌باشد مانند آفرین و احسنت و خوشحالم. که اثر شگفت انگیزی در یادگیری دارد استفاده شود.

- تهیه تراکت‌های برای کلاس توسط معلم در رابطه با درس یا موضوعات دیگر و نصب آن در کلاس (در حضور دانش آموزان) توجه آنان را به شدت جلب می کند. البته این کار را مربیان پرورشی انجام می‌دهند که اگر توسط معلم هم در کلاس انجام گیرد اثر زیادی دارد.

- تا جایی امکان دارد از وسایل آموزشی و کمک آموزشی استفاده شود چون می‌دانیم که ۷۵٪ یادگیری از طریق بینایی صورت می گیرد.

- روحیه بشاشی داشته باشید و با خوش خلقی و خوشرورویی تدریس کنید که گرفتاریهای روزمره زندگی را در کلاس فراموش کنید.

- در هنگام توضیح و تدریس تغییر تن صدا ضروری است به منظور جلب توجه دانش آموزان و واداشتن آنها به گوش دادن معلم باید با صدای یکنواخت صحبت نکند و متناسب با موضع از کم و زیاد کردن تن صدای خود تمرکز دانش آموزان را جلب کند.

- در هنگام توضیح و تدریس انجام حرکات معنی دار لازم است (بین حرکات معلم و یادگیری دانش آموزان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد). به این معنا که هر چه حرکات هدفمند معلم در بین دانش آموزان کلاس درس بیشتر باشد معلم بر کلاس مسلط تر خواهد شد و

دانش آموزان بیشتر به او توجه خواهند کرد.

ـ استفاده از ایما و اشاره و مکث‌های به موقع و هدفمند: حرکات دست، چشم، ابرو، سر و گردن و گاهی اوقات در هنگام توضیح مطالب مکث‌های به موقع می‌تواند از حواس پرتی شاگردان بکاهد.

ـ در هنگام توضیح درس نگاه‌های معنی دار و ضربه زدن به میز می‌تواند آنها را وادار کند تا به حرف‌های معلم گوش دهند.

ـ در کلاس درس در توزیع نگاه، عادلانه رفتار کنید و کارهای خصوصی را به شاگردان واگذار نکنید و سعی نکنید با تعدادی از آنها روابط صمیمانه و نسبت به بقیه بی‌تفاوت باشید.

ـ در هنگام تدریس بعضی رفتارها جزئی و مخفیانه را نادیده بگیرید تا بخاطر آن نظم کلاس به هم نخورد و قبح کارها شکسته نشود.

ـ از تدبیر منفی استفاده کنید: تدبیر منفی یکی از فنون خانواده درمانی است. در این روش، معلم برای ساکت کردن دانش آموزان هنگامی که کلاس شلوغ می‌شود صدای خود را افزایش می‌دهد. هر چه قدر کلاس شلوغ تر باشد معلم با جدیت بیشتری این عمل را انجام می‌دهد تا سکوت کامل بر کلاس درس حکم فرما شود.

د. در جذابیت کلاس:

هر معلمی با بالا رفتن تجربه اش پی خواهد برد که باید به برخی کارهای ضروری در کلاس توجه نماید. بعضی اعمال را نباید انجام

دهد. تجربه نشان داده معلمانی که در کلاس درس فعالیت و تحرک بیشتری داشته باشند به شغل خود علاقه و عشق می‌ورزند. هدف‌های متنوعی دارند و اگر درگیری و جنگ اعصاب کمتری داشته باشند دیرتر فرسوده و شکسته خواهند شد و همیشه به عنوان فردی شاداب و با نشاط و موفق در نظر خود و دیگران خواهد بود.

اکثر دانش آموزان به دلایل مختلف از درس و مدرسه بیزارند. این دلایل مربوط به مدرسه، جامعه و معلم و والدین و انتخاب شغل و غیره باشد که معلم باید با تدابیر ارزنده‌ای که می‌اندیشد کلاس درس را برای آنان جذاب نماید که بعضی از آن‌ها کارها به شرح ذیل است.

- هدف از تحصیل را برای شاگردان به تفصیل بیان کنید و به آنها بفهمانید که هدف تمامی مدرسه روها استخدام در ادارات دولتی و کارمند شدن نیست و هر جامعه‌ای برای تداوم خود احتیاج دارد به مشاغل دیگری، و باید تمامی این مشاغل توسط افراد پر شوند پس اگر تمامی افراد باسواد باشند جامعه بهتر بسوی کمال می‌رود و مدینه فاضله زمانی اتفاق می‌افتد که مردم از نظر فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع آگاهی‌های کامل داشته باشند و این میسر نیست مگر با تحصیل علم.

- اگر وقت اضافه در کلاس آوردید نباید اجازه داد شاگردان از سرو کول هم بالا روند بلکه باید به آموزش‌های غیر رسمی پرداخت، مانند تبادل اندیشه در مورد بحث‌های روز - مسائل اجتماعی - محل سکونت، اوضاع مدرسه و... این فرصتی است برای اظهار نظر دانش آموزان در جمع.

ـ برنامه ریزی هایتان طوری باشد که در ابتدای تدریس یا انتهای آن هر جلسه با توجه به نوع دروس تحصیلی و پایه چند دقیقه‌ای ـ رفتارهای نیکو آموزش داده شود و آیه‌ای از قرآن یا حدیثی را مرتبط با تدریس و تربیت توضیح دهید. اگر این مورد توسط بعضی معلمان که رشته‌های ریاضی و فنی دارند انجام گیرد اثر معجزه آسایی دارد.

ـ استفاده از تشویق هایی مانند صلوات دادن، کف زدن توسط کل برای رفتارهای مطلوب فردی حال و هوای کلاس را عوض خواهد کرد. البته نباید در این امر زیاده روی کرد.

ـ همراه داشتن روزنامه‌های پر تیراژ یا محلی در کلاس هر چند روز یک بار و اختصاص دادن دقایقی از بعضی مقالات آن که مرتبط با کلاس درس و روابط اجتماعی است، کار مفیدی است.

ـ بیزاری بعضی از شاگردان، هنگام گرفتن امتحان یا طرح پرسش‌های شفاهی است پس شیوه‌های ارزشیابی صحیحی داشته باشید برای این منظور اعمال زیر را انجام دهید.

۱. هنگام پرسش‌های شفاهی شاگردان در سر جای خود باشند.

۲. اگر پای تخته آمدند روی صندلی کنار میز معلم بنشیند و جواب دهد.

۳. حجم مطالب پرسشی و امتحانی را کم کنیم.

٤. دانش آموزان را وادار به حفظ کردن عین مطالب نکنیم.

۵. با دادن سر نخ آنها را در جواب دادن یاری کنیم که تمرینی است برای یاد گرفتن

٦. جواب شاگردان را تأیید و تشویق کنیم.

۷. در هنگام امتحان کتبی کمترخشونت و مراقبت داشته باشیم البته نه آنکه آنها را متقلب بار آوریم.

۸ امتحانات کتبی با سئوالات آسان و مختصر شروع شود.

ـ هر سه ماه یکبار با نظر خواهی که به صورت کتبی و بدون مشخصات باشد نظر آنان را در مورد تدریس، کلاس‌داری و... بسنجید. مطالب جالبی برای شما خواهند نوشت و شما باید رفع نقایص کنید و خواسته‌های منطقی ایشان را عملی نمایید.

ـ عکس گرفتن با دانش آموزان به مناسبت‌های مختلف یکی از کارهایی است که شاگردان بدان متمایل اند و مدام از معلمان گذشته می‌گویند و عکسهای قبلی و سال‌های قبلی را با خود به کلاس می‌آورند.

ـ به تقاضای آنان برای بیرون رفتن از کلاس پاسخ مثبت دهید و تأکید کنید که در اسرع وقت به کلاس برگردد ـ بوده‌اند شاگردانی که بیرون رفته و دیر برگشته‌اند و به طور کلی از مدرسه خارج و مشکل ایجاد شده است ـ پس به این موضوع با آگاهی پاسخ دهید.

ـ با شاگردان صمیمی شود و اگر به آنها اطمینان دهیم که باور داشته باشند که راز آنها را پنهان می‌کنی همه چیز را بیان می‌کنند حتی مسائل خانواده خویش را و برای این کار خط قرمز داشته باشید ــ و از بعضی مسائل آنان سؤال نکنید و اجازه ندهید که در باره شما بپرسند. رعایت خط قرمز الزامی است.

ـ از آموختن بعضی مهارت‌های اجتماعی و زندگی به آنان دریغ نورزید. گاهی وقت دانش آموز در خانه کار بد انجام می‌دهد معلم را

ناسزا می‌گویند چون انتظار دارند معلم علاوه بر موضوعات درسی، موضوعات اجتماعی و اخلاقی را هم به آنان آموزش دهد که این یک از اهداف آموزش و پرورش در سطح جهان است و در مکتب عمل گرایان این هدف به صورت جدی آموزش داده می‌شود.

- با ذکر خاطراتی از دوران دانش آموزی، معلمی خود و دیگران آنان را علاقمند به کلاس درس و پرهیز از صفات بد و غیره نمائید. گاهی وقت ذکر خاطره‌ای می‌تواند نگرش شاگردان را به کلی عوض نماید. این کار در گذشته انجام شده و نتایج مثبتی داشته است.

- به شاگردان هم اجازه دهید و زمانی را برای ذکر خاطرات آنها در نظر بگیرید. این می‌تواند در جذابیت کلاس و رفع نگرانی و اضطراب آنها مفید باشد و احساس می‌کنند که شخصیت ارزشمندی دارند و برای معلم هم مهم اند.

- بعضی از وقت‌ها در مورد زندگی نامه‌ی شخصیت‌های برجسته‌ی محلی، استان، کشور و سایر نقاط دنیا خاطره‌ای ذکر کنید و علل موفقیت آنان برای دانش آموزان بسیار مهم است و می‌تواند سرمشق خوبی باشد. افکار مثبت و شاد داشته باشید و دانش آموزان را از عواقب نمره منفی‌ها نترسانید.

- به شخصیت شاگردان توجه ویژه‌ای داشته باشید. تفاوت‌های فردی آنها را در نظر بگیرید و به درخواست‌های معقول آنان پاسخ مثبت دهید. به یک دانش آموز خاص توجه ویژه‌ای نداشته باشید که این امر حسادت سایرین را موجب می‌شود.

- اصل تفاوت قائل اما تبعیض هرگز را هیچ گاه فراموش نکنید.

ـ گاهی اوقات جای شاگردان را در کلاس جابه‌جا کنید و فلانی بیا جلو، شما عقب و شما اینجا بشین تا بفهمند که معلم تمامی رفتارهای آنان را زیر نظر دارد.

ـ سعی کنید در کلاس صندلی‌ها را به صورت نیمدایره بچینید این عمل فواید زیادی دارد که پس از انجام آن متوجه آن خواهید شد.

ـ با شاگردان صمیمی باشید و سعی کنید نام کوچک آنها را هم به خاطر بسپارید و قبلاً ذکر شد که روزهای اول حرکات اضافی شاگردان را با ذکر نام آنها گوشزد کنید می‌فهمند چه معلم قوی دارند.

ـ بگذارید همه بچه‌ها در مسؤلیت شرکت داده شوند: وقتی میان عده‌ای از کودکان حادثه‌ای اتفاق می‌افتد سعی نکنید مقصر را پیدا کنید. تقصیریابی و تعیین مقصر فقط باعث افزایش هم چشمی میان کودکان می‌شود. بگذارید همه بچه‌ها در مسؤلیت سهیم باشند و خودشان تصمیم بگیرند که چگونه مشکلشان را حل کنند. به حرف‌ها و بد گویی‌های آنها از هم توجه نکنید. معلم می‌تواند از طریق طرح ریزی برخی از روش‌ها در کلاس به ایجاد هر چه بهتر مسؤلیت پذیری در دانش آموزان اقدام کند.

ـ روش گردش علمی را فراموش نکنید البته برای اینکار تمامی جوانب را بررسی کرده و با هماهنگی مدرسه باشد. گردش علمی می‌تواند ۲ ساعته یا نصف روز در پارک، باغ یا کارخانه و... انجام گیرد. که اگر خارج از شهر باشد حتماً رضایت ولی الزامی است.

ـ هیچ گاه از ناامیدی و یأس برای آنان صحبت نکنید همواره به

آنها امید دهید به قول (کانت ۱۸۰٤) می‌گوید اگر خداوند سه چیز را خلق نمی کرد ناقص بودیم: ۱. امید ۲. خواب ۳. خنده

ـ گاهی وقت جدیت بیش از حد کلاس را خشک و بی‌روح می‌کند و باعث بی‌علاقگی به درس و مدرسه خواهد شد. حتی بعضی مواقع جدیت‌ها باعث تغییر رشته و کلاس و سرنوشت شاگرد می‌شود و مسیر زندگی آنها را عوض می‌کند. تجربه نشان داده معلمان خوش اخلاق که تبسم بر لب دارند موفق ترند البته باید در حدی باشد که مورد سوء استفاده قرار نگیرند. (نباید قاطعیت و توانایی اول کلاس را با سخت گیری افراطی اشتباه بگیرید)

ـ اگر ممکن بود. تغییر محل کلاس حداقل هر فصل یکبار موجب جلب توجه دانش آموز می‌شود مانند تشکیل بعضی از کلاسها در آزمایشگاه، کارگاه، کتابخانه، نمازخانه و غیره.

ـ نمره را نباید به هدف تبدیل کرد که دانش آموزان باید فقط ۲۰ بگیرید و آنها را وادار کنیم که فقط برای نمره و بیست درس بخوانند در صورتیکه هدف آموزش چیزهای بزرگتری است که وظیفه معلمین را سنگین تر می‌کند که مطالبی از اخلاقیات، رسم و رسوم زندگی اعم از اوضاع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برای دانش آموزان فراهم کند تا آنان در پایان دوره آموزش از مهارت‌های ساده زندگی برخودار شده باشند متأسفانه این امر در مدارس ما جدی گرفته نمی شود و فقط معلمان روی مسائل و موارد آموزشی و درسی تأکید می‌کنند در حالیکه خانواده انتظارات زیادی از مدارس دارند.

ـ دانش آموزان را وادار نکنید که فقط مطالب را حفظ کنند و در

امتحان عین مطالب را بنویسید و اگر کلمه‌ای ننوشتند یا از قلم افتاد کل نمره ایشان از قلم بیفتد. دانش آموزان را وادار کنید تا یاد بگیرند نه فقط حفظ کنند. یادگیری با حفظ کردن تفاوت دارد سعی کنید به آنها بیاموزید که متن را بخوانید و آنچه از آن برداشت کردید آنرا بنویسید این کمک می کند که هم یاد بگیرند و هم اینکه یادگیری با ثبات و پایدار و معنی دار باشد. (البته این موضوع دربخش امتحان به تفضیل خواهد آمد)

ـ از قانون مادر بزرگ استفاده کنید: این اصل می گوید شخص باید از رفتارهایی که بیشتر انجام می گیرد به عنوان پاداش برای رفتارهایی که تکرار کمتر دارد استفاده کند رفتارهای زیاد و تکرار شونده آنهایی هستند که شخص واقعاً می‌خواهد انجام دهد مانند اینکه TV تماشاکننده تنیس بازی می کند و با دانش آموز شرط کنید که اگر کاری که چندان تمایلی به آن ندارد به پایان برسانند به آنها اجازه خواهید داد به کاری که تمایل بیشتری به آن دارند بپردازند برای مثال دانش آموزی که فوتبال دوست دارد بگویید اگر ده مسأله را حل کند اجازه بازی خواهد داشت (روبرت تی تایر ترجمه محمد رضا سرکارایی ۱۳۸۸).

ـ بدانیم که دانش آموزان دوست دارند تکالیف خود را همزمان با فعالیت‌های زیر انجام دهند:

۱ـ با دیگران صحبت کنند.

۲ـ تحرک داشته باشند.

۳ـ کار ثمربخش و خلاق انجام دهند.

۴ـ دست‌های خود را به کار گیرند.
۵ـ در پژوهش‌های گروهی شرکت کنند.
۶ـ رقابت گروهی و تیمی داشته باشند.
۷ـ از کامپیوتر و رسانه استفاده کنند.
۸ـ از داستانها و قصه‌ها بهره گیرند.
۹ـ ایفای نقش کنند.
۱۰ـ فعالیت هایشان با ریتم و رقص و موسیقی باشد.
ـ بدانیم که دانش آموزان دوست ندارند:
۱ـ برای مدت طولانی بنشینند.
۲ـ برای مدت طولانی سکوت کنند.
۳ـ به تنهایی کار کنند.
۴ـ مطالب به صرف گرفتن نمره به خاطر بسپارند.
۵ـ تکالیف طولانی بنویسند.
۶ـ تکالیف طولانی بخوانند.
۷ـ به صورت انفرادی کار انجام دهند.

برخی از عناوین درسی برای دانش آموزان جذاب است اما نه همه عناوین. شما معلمان می‌بایست به دانش آموزان خود حق انتخاب در مورد روش مطالعه بدهید. در شروع برنامه درسی به دانش آموزان اجازه دهید تا عناوین درس مورد علاقه خود را انتخاب کنند. هم چنین از عناوین دروس جایگزین برای موضوعاتی که مورد علاقه شان نمی باشد استفاده کنید.

روش آموزش مستقیم برای دانش آموزان با انگیزه بالا بسیار مفید

است. اما زمانی که دانش آموزان انگیزه درسی کافی ندارند باید از روش تسهیل کننده استفاده شود. هنگامی که به این گونه دانش آموزان اجازه تصمیم گیری در مورد مطالب و شیوه‌های انتخابی خودشان را می‌دهید آنها با علاقه بیشتری همکاری نموده و خود را بهتر عرضه می کنند.

هنگامی که ما با دانش آموزان سروکار داریم اگر درباره منافع و موارد استفاده موارد درسی صحبت کنیم از خواست ما پیروی نموده حتی کسل کننده‌ترین عناوین درس را دنبال خواهند کرد. یکی از راه‌های جذاب کردن عناوین درس کسل کننده فروش آنها به شرط مفید بودنشان است. «جک کولیس ۱۹۸۸ در کتاب مشهور خود بنام هنگامی که مشتری می‌برد فروشنده بازنده نیست، چگونگی برخورد شرکت‌های تجاری را با مشتریان شرح می‌دهد. او می گوید مردم به دو دلیل جنسی را خریداری می کنند یا به دلیل برآوردن نیاز و یا برای داشتن احساسی بهتر.» شاید شما دوست نداشته باشید که خود را بعنوان فروشنده‌ای فرض کنید که در حال فروش مطالب درسی به شاگردان (مشتریان) هستید اما همان گونه که کولیس می گوید اگر دانش آموزان شما احساس کنند هر آنچه به آنها آموخته می‌شود سودمند و با ارزش است مسلماً شما بازنده نخواهید بود. کولیس می گوید زمانی می‌توانید جنس را به مشتری بفروشید که ارزش جنس را به مشتری بشناسانید. هنگامی که ما با دانش آموزان سرو کار داریم اگر در باره منافع و موارد استفاده مواد درسی صحبت کنیم از خواست ما پیروی نموده و حتی کسل کننده‌ترین عناوین درس را دنبال خواهند

کرد.

معلمانی که از شیوه تسهیل کننده استفاده می کنند اقدامات زیر را در کلاس انجام می‌دهند (البته برای مقطع ابتدایی زیاد مناسب نیست)

۱ـ برنامه درسی را در کلاس به بحث می گذارند تا عناوین مورد علاقه دانش آموزان روشن شود.

۲ـ دانش آموزان را برای انتخاب عناوین درسی از دروسی که مایل به مطالعه عمیق در آن هستند کمک می کنند.

۳ـ در مورد چگونگی انجام تکالیف و کارها با دانش آموزان صحبت می کنند و امکانات مختلفی را در نظر می گیرند.

٤ـ منابع مورد نیاز آنچه را که باید دانش آموز به انجام برساند در زمان مورد نیاز برای انجام آنرا معین می کنند.

دانش آموزان دائماً از کسل کنندگی درس و مدرسه با هم صحبت می کنند زمانی که ما آنها را وادار به کارهای تکراری و کسل کننده می کنیم آنها مقاومت کرده و از خود سوء رفتار نشان می‌دهند. چنین شرایطی را می‌توان توسط همخوان سازی فعالیت‌های یادگیری با نیازها، طبیعت توانمندی و خواست‌های دانش آموزان تصحیح نمود. چنانچه مشاهده کرده اید که هر یک از دانش آموزان نیازهای معینی دارند و سعی دارند تا این نیازها را در محیط مدرسه ارضا نمایند. شما بعنوان معلم باید از برآورده شدن نیازهای دانش آموزانتان مطمئن شوید و مهمترین نیاز وی عبارتند از:

۱. امنیت در بعد جسمانی و روانی

۲. امید و حفظ این باور که در آینده فرصت‌ها و چالش هایی

وجود خواهد داشت.

۳. احترام: حفظ حس مثبت بودن و لیاقت داشتن

٤. پذیرش: در نظر گرفته شدن، تشویق و عضویت در گروه

٥. قدرت: کنترل داشتن و برخی از رویدادهای زندگی

٦. لذت: مشغول بودن به فعالیت‌های لذت بخش و ترغیب کننده

۷. شایستگی: دانستن، فهمیدن و از عهده امور برآمدن

۸. کمال: طی کردن پله‌های طرقی.

دانش آموزان در روش‌های انجام تکالیف با یکدیگر متفاوتند تا آنجا که می‌توانید به انها در انتخاب روش یادگیری آزادی عمل دهید.

هـ ـ در برقراری انضباط و اصلاح رفتار

به طور کلی باید گفت منظور از نظم و انضباط آنست که دانش آموزان با مقررات مدرسه، گروه همسالان، محیط یادگیری و ارتباطات جامعه و غیره آشنا شوند و هم چنین تمایلات و غرایز طبیعی کودک در جهت صحیح و مطلوب هدایت شود. از آنجا که هدف نهایی آموزش و پرورش تربیت صحیح کودک است لذا نباید کودکان را فدای انضباط در مدرسه کرد بلکه باید با استفاده از راهکارهای مناسب نظم و انضباط و مقررات مدرسه را در خدمت دانش آموزان درآورد تا زمینه هدایت مطلوب و شایسته آنها فراهم شود. رعایت نظم و انضباط موجب شادی و نشاط در فرد، سازش مناسب فردی و اجتماعی، احساس امنیت، مفید بودن، اعتماد به نفس و

جلب توجه دیگران می‌شود. گاهی اوقات دانش آموزان از مقررات مدرسه پیروی نمی کنند و بی‌انضباطی موجبات ناراحتی خود، معلمان و هم شاگردیها و اولیاء مدرسه می‌شود. مسائل انضباطی که در مدارس اتفاق می‌افتد بسیار متنوع و گوناگون است و علل و عوامل متعددی دارد و متخصصان تعلیم و تربیت باید در پی کشف آنها باشند. برخی از عوامل شلوغی نه فقط مانع یادگیری فرد می‌شود بلکه موجب اختلال در یادگیری کل کلاس و حتی کل مدرسه هم می‌شود. و به طور خلاصه ریشه عوامل بی‌انضباطی را می‌توان در عوامل زیر جستجو کرد تا با شناسایی آنها سبب رفع و حل آن فراهم آید.

۱ـ خانواده:

به طور قطع می‌توان گفت خانواده بزرگترین عامل تعیین کیفیت رفتار کودکان، وضع زندگی و شرایط خانوادگی آنهاست کودکانی که در خانواده‌های پر تعارض و پر تشنج قرار دارند نمی توانند شخصیت متعادلی داشته باشند نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ناآرام بودن خانواده و کیفیت پاسخ‌های نامناسب والدین به بدرفتاری کودکانشان پیامدها و نتایج نامطلوبی داشته است.

به طور کلی می‌توان گفت جو عاطفی حاکم بر خانواده و تجربیاتی که کودک از زندگی به دست می‌آورد زمینه طرز فکر، تکوین شخصیت و الگوهای رفتاری خوب و بد او را در آینده فراهم می کند.

۲ـ معلم:

از جمله نشانه‌های تدریس موفق آنست که معلم بتواند نظم و انضباط منطقی را در کلاس حکمفرما کند و صرفاً به ارائه درس توجه نداشته باشد. منظور از انضباط، ساکت و آرام بودن و گوش دادن به حرف‌های معلم نیست، زیرا جو کلاس باید متنوع و دوست داشتنی باشد. به طوری که هر دانش آموز احساس آرامش و دلبستگی به کلاس کند البته در چنین فضایی دانش اموزان باید یاد بگیرند که چگونه رفتار نمایند تا مخل برنامه کلاس و حقوق دیگران نباشند. به عبارت دیگر هر فردی باید ناظم خودش باشد زیرا خود کنترلی دانش آموزان در کلاس عامل مهمی است که ضمن ایجاد نظم و آرامش در کلاس درس، موجب بهبود کیفیت تدریس هم می‌شود. (رضا رحال زاده ۱۳۷۵)

اگر معلم بتواند سایر ویژگی‌های تدریس خوب مانند بیان اهداف درس، ایجاد انگیزه در دانش آموزان، تسلط بر مهارت تدریس را بخوبی در کلاس اجرا نماید. خودبخود انضباط در کلاس حکمفرما خواهد شد و هر کس ناظم خودش می‌شود. عالمان تعلیم و تربیت معتقدند که بسیاری از بد رفتاری‌های جزئی که در کلاس پیش می‌آید ناشی از دست کم گرفتن روش‌های تدریس و مشارکت غیر فعالانه دانش آموزان در کلاس است. هر گاه محیط طبیعی و جذاب و دلچسب بوجود آید و رابطه خوب و عالی بین معلم و متعلمین وجود داشته باشد ممکن است جلو بسیاری از بی‌ادبی‌ها گرفته شود.

از نتایج تحقیقات مختلف چنین برمی آید که ریشه بی‌انضباطی

اکثر دانش آموزان در کلاس ناشی از عدم تسلط علمی و تجربی معلمان و عدم آشنایی آنها با اصول و مهارت‌های تدریس و عدم آشنایی معلمین با فنون روانشناسی میباشد.

علاوه بر توانایی‌ها و مهارت‌های معلم، چگونگی شخصیت معلم نیز می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد آرامش و انضباط داشته باشد. تجربه نشان داده در جاهایی که دانش آموزان معلم خود را دوست ندارند انضباطی وجود نخواهد داشت و بی‌انضباطی گاهی طغیان بر علیه معلمی است که جایگاهی در میان شاگردانش ندارد. به قول دکتر هارلن هنسن:

«سرو صدای خوب به معنای یادگیری است، سرو صدای بد یعنی بچه‌ها از کنترل خارج شده‌اند، نبود سرو صدا یعنی این که بزرگسالان از جمله معلمان طبیعت بچه‌ها را درک نمی کنند»

۳ـ ضعف جسمانی:

گاهی ایجاد بی‌نظمی و سر وصدای نامعقول ناشی از ضعف جسمانی شاگردان است. زیرا دانش آموزان ضعیف طاقت و تحمل ساعات مدرسه را ندارند و آستانه دقت و توجه آنها کوتاه است. زود خسته می‌شوند و بدین دلیل از قوانین و مقررات کلاس و مدرسه سرپیچی می کنند و زمینه بی‌نظمی را فراهم می‌آورند.

٤ـ نبود هماهنگی مقررات خانه و مدرسه:

اگر دانش آموز تضاد و مغایرتی بین الگوهای تربیتی خانه و

مدرسه را مشاهده کنند. بدام شک و تردید گرفتار خواهد شد و نمی داند کدام الگو را انتخاب کند. اگر مدرسه درست می گوید؟ پس چرا خانواده چیز دیگری می گوید و برعکس. این الگوهای تربیتی دوگانه بدترین وضع روحی و روانی را برای دانش آموز فراهم می کند که هم اولیای خانه و هم اولیای مدرسه از وی اظهار نارضایتی می کنند و در خانه گوشه گیر و در مدرسه پر رو و بی‌ادب می‌شوندو یا برعکس.

٥ـ سرخوردگی:

گاهی اوقات تکالیف و وظایفی که مدرسه برای دانش آموزان مشخص می کند بیش از حد توانایی اوست و یا اینکه برخی از والدین در مورد پیشرفت تحصیلی فرزند خود تقاضای بیش از حد دارند و به همین خاطر کودک مجبور است فشارهای روانی ـ عصبی زیادی را تحمل کند وقتی دانش آموز نمی تواند خود را به سطح تقاضا و خواسته‌های مدرسه و والدینش برساند با شکست مواجه می‌شود و احساس بی کفایتی و سرخوردگی و کسر شخصیت می کند و این سرخوردگی نه فقط به رشد عاطفی ـ روانی دانش آموزان خلل وارد می‌سازد بلکه باعث می‌شود که آنها نسبت به قوانین و مقررات و نظم و انضباط در مدرسه بی‌اعتنایی کنند.

٦ـ عدم اجرای کامل مقررات:

در برخی اوقات بی‌انضباطی دانش آموزان از نبود ثبات در اجرای مقررات است. بدین معنی که مسؤلان مدرسه و الدین مقرراتی را

ایجاد می کنند ولی خودشان از آن پیروی نمی کنند. این عمل باعث می‌شود که اعتبار قوانین و مقررات انضباطی در نزد دانش آموزان سست و بی‌ارزش شود. دیگر این که گاهی هم اولیای خانه و مدرسه دانش آموزان را ملزم به اجرای قوانین و مقررات می کنند ولی اصلاً توجهی به اجرا یا اجرا نشدن آن ندارند. در مقابل این بی‌تفاوتی و بی‌توجهی والدین و اولیای مدرسه که دانش آموز نمی داند وظیفه اش در مقابل قوانین و مقررات چیست؟ و در واقع مدرسه از او چه انتظاری دارد؟ و چه رفتاری باید انجام دهد؟ این ناآگاهی سردرگمی نسبت به قوانین و مقررات باعث می‌شود چه انتظاری دارد و چه رفتاری باید انجام دهد. این ناآگاهی و سردرگمی نسبت به قوانین و مقررات باعث می‌شود زمینه بی‌انضباطی و نافرمانی در دانش آموزان فراهم شود.

۷ ـ توهین و تنبیه:

گاهی اوقات علت بی‌تربیتی و بی‌انضباطی شاگردان بدلیل برچسب‌های مختلفی مانند احمق ـ تنبل ـ کم هوش ـ ناتوان و غیره است. که از طرف اولیای مدرسه به آنها داده می‌شود و احساس می‌کنند دیگر درست بشو نیستند و از دست رفته‌اند و احساس خود کم بینی می‌کنند بنابراین دست به شلوغ کاری و بی‌انضباطی می زنند و به تدریج این تلفیق در آنها انجام می‌شود که دیگر نمی تواند کارها و تالیف مدرسه را انجام دهد و در آنها خود پنداری منفی ایجاد می‌شود و این خود پنداری منفی سبب می‌شود که از فعالیت و تکالیف دست بردارند و خود را شکست خورده و ناامید و ناتوان

احساس می کنند.

تعدادی از افرادی که در مدرسه امید خود را از دست می‌دهند و عزت و حرمت آنها شکسته می‌شود سعی می کنند به هر نحوی حتی با از دست دادن درس و مدرسه و درگیری با معلم و سایر هم کلاسی هایش از حرمت و حیثیت حود دفاع ناآگاهانه می کنند و بدین وسیله قوانین و مقررات مدرسه را رد و نادیده می گیرند. اکنون که علل بی‌انضباطی شناخته شد و راههای درمان آنرا می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

راه کارهایی برای جلوگیری از بی‌انضباطی در کلاس:

١ـ شرکت دادن دانش آموزان در برنامه‌های انضباطی و روشن کردن قوانین و مقررات مورد انتظار از آنها

٢ـ تشویق و تنبیه به موقع و متناسب با رفتار دانش آموزان باشد.

٣ـ با دادن حق تصمیم گیری با شاگردان در آنان زمینه اعتماد به نفس و خوش بینی مسؤلیت پذیری بوجود آورد.

٤ـ مقررات وضع شده باید برای تمامی دانش آموزان به اجرا درآید و استثنایی در آن نباشد.

٥ـ برای اوقات فراغت آنها برنامه ریزی صحیحی انجام گیرد که به فعالیت‌های ذهنی و علمی بپردازد.

٦ـ در تهیه قوانین و مقررات از خود آنان کمک گرفت و بدانیم که اگر قوانین به پیشنهاد آنان باشد و تصویب شود هیچ گاه نخواهند شکست.

۷ـ هماهنگی کامل بین مقررات مدرسه و خانه بوجود آید برای این مورد می‌توان در جلسات انجمن قوانین مدرسه را به اطلاع اولیای شاگردان رساند.

۸ـ هنگامی که دانش آموزان احساس ترس، اضطراب و خشم می‌کنند بیشتر مرتکب بی‌انضباطی می‌شوند بنابراین تا جایی که امکان دارد این موارد را به حداقل برسانیم.

۹ـ همانگونه که انتظارات بالا سبب ناکامی آنها می‌شود انتظارات پایین معلم نیز موجب ملامت، بیزاری و بی‌حوصلگی آنان از درس معلم و مدرسه را فراهم می‌کند.

۱۰ ـ از روش‌های مختلف تدریس مناسب با موضوع درس و کتاب درسی استفاده کرد و از تدریس یکنواخت و به یک شیوه خودداری گردد.

۱۱ـ در برخورد با دانش آموزان باید از تقویت کننده‌ها ـ مانند نوازش، دست دادن، دست به شانه زدن، خواندن نام کوچک آنها و... استفاده کرد. زیرا رفتار و برخورد صمیمانه تا حدود زیادی از بی‌انضباطی و شرارت آنها می‌کاهد البته باید بااحتیاط بود چون ممکن است جنبه سوء تفاهم و سوء استفاده پیش آید.

۱۲ـ تا جایی که امکان دارد با آنها صمیمی و دوستانه رفتار کرد و از سخت گیری‌های بی‌مورد پرهیز کرد. چون غیر مستقیم به خشونت متوسل می‌شوند و در غیاب اولیای مدرسه دست به خرابکاری میز و صندلی و دیوارها می‌زنند یا روی در و دیوار نوشته‌های خود را ظاهر می‌کنند.

۱۳ـ هر چند یکبار جلساتی با حضور مشاوران زبده و معلمین مورد احترام با آنها داشت و انتقادات آنها را از اولیای مدرسه جویا شد اگر منطقی و قابل اجرا بود اجرا شود و اگر ناسازگار با قوانین مدرسه بود با حرمت آنها را تفهیم کرد.

١٤ـ برقراری انضباط زورکی از راه تنبیه پیامدهایی نظیر مقاومت، بی‌اعتنایی و یا عصیان، منفی بافی، تملق و فرار از زندگی دانش آموزان را بدنبال خواهد داشت پس بهتر است بیشتر از تشویق استفاده کرد.

١٥ـ چون شاگردان درس خوان، منضبط هستند مشکلی برای معلم ایجاد نمی کنند بنابراین مورد بی‌مهری معلم قرار می گیرند و عکس این مطلب دانش آموزان ناسازگار چه مثبت و چه منفی بیشتر مورد توجه معلمان قرار می گیرند. این کار باعث می‌شود که دانش آموزان درسخوان کم کم دلسرد شوند و آنان نیر مرتکب بی‌ادبی شوند و به کارهای نامعقول دست بزنند.

١٦ـ برنامه مناسبی برای جلوگیری از وقوع بی‌انضباطی دانش آموزان و اطلاع از رفتار آنها طراحی شود.

۱۷ ـ افکار مثبت و شاد داشته باشید و دانش آموزان را از عواقب نمره ـ منفی‌ها و سختی‌های کار در آینده نرنجانند بلکه همواره شاگردان را تشویق کنند.

۱۸ ـ به تفاوت‌های فردی توجه شود و تبعیض را به حداقل برسانند.

۱۹ ـ معلم با مطالعه کافی، آمادگی زیادی در زمینه روحی، جسمی و علمی و با نشاط وارد کلاس درس شود تا کلاس پر نشاطی داشته

باشد.

و: در بهبود کیفیت تدریس

از تدریس تعاریف زیادی یعمل آمده و این تعریف شاید ساده‌ترین و بهترین تعریف از تدریس باشد. «تدریس یعنی تسهیل یادگیری» (فیلیپ کومبز ۱۹۸۰) معتقد است که پنج عامل در بهبود کیفیت تدریس نقش دارند و آنها عبازتند از: اهداف آموزشی ـ برنامه‌های درسی ـ معلمان ـ روش‌های تدریس و تکنولوژی آموزشی که تأثیر مهم و ویژه‌ای بر تدریس دارند و اکثر صاحبنظران تعلیم و تربیت تأثیر معلمان را مهم تر می‌دانند.

رضا رحال زاده در کتاب روش شناسی تدریس موارد زیر را در کیفیت تدریس مؤثر می‌داند.

۱ـ شناخت دانش آموزان و داشتن روابط صمیمی با آنها

۲ـ تشویق و ایجاد انگیزه

۳ـ مشارکت دادن دانش آموزان در فرآیند تدریس

٤ـ استفاده از روش‌های مناسب تدریس

۵ـ مراعات اصول ارائه مطالب

٦ـ برقراری نظم و انضباط در کلاس

۷ـ استفاده از امکانات کمک آموزشی

۸ـ شرایط فیزیکی مناسب در کلاس درس

۹ـ توجه به ارزشیابی مستمر

بنجامین بلوم در کتاب ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشگاهی نشر دانشگاهی تهران ۱۳۶۳ (به نقل از رحال زاده) می‌نویسد اگر شرایط مناسب برای یادگیری فراهم شود اغلب دانش آموزان در توانایی یادگیری و انگیزش برای یادگیری بسیارشبیه به هم خواهند بود. چه کسی شرایط یادگیری را فراهم می کند؟ معلمان. پس معلم می‌تواند به تنهایی نقش زیاد و تعیین کننده‌ای در کیفیت یادگیری داشته باشد.

به طور خلاصه عوامل مؤثر در تدریس خوب عبارتند از:

الف ـ معلم:

بی‌شك و به تنهایی ۷۰ درصد از عوامل تدریس را معلم تشکیل می‌دهد. معلم می‌تواند ضعف وسایل آموزشی، کتب درسی، فضای فیزیکی کلاس و سایر نواقص را جبران کند و با الگوی اخلاق و رفتار خود انگیزه به تحصیل را در فراگیران ایجاد کند (قبلاً در مورد ویژگی‌های معلم بحث شده).

به قول ادوین گاتری ۱۹۵۹ معلم باید در کلاس آمادگی و نظم و ترتیب لازم را برقرار کند واگر اختیار کلاس از دست او خارج شود نمی تواند رفتار مطلوب را بوجود آورد باید از تدریس خودداری کند.

یك کشور هر چند از نظر منابع طبیعی و ثروت غنی باشد. در صورت نبود نیروی انسانی کارآمد نیاز به بیگانگان خواهد داشت و این کار باعث به یغما رفتن این ثروت ملی می‌شود مانندآفریقای

جنوبی با وجود ۵۱٪ طلای دنیا و و بیش از یک سوم الماس جهان برنامه هایش را بیگانگان طراحی و اجرا می‌نمایند.

ب ـ دانش آموز:

بی‌شک درست فرموده‌اند قدما که مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد. امروزه دانش آموزان انگیزه چندانی به درس و مدرسه ندارند (دلایل متعددی دارد) این عدم انگیزه وظیفه معلم را سنگین تر می کند.

دانش آموز توانا نقش زیادی در کیفیت تدریس دارد. دانش آموز فعال معلم را به مطالعه و تحقیق وا می‌دارد تا در برابر پرسش شاگردان کم نیاورد. برعکس اکثر دانش آموزان امروزی خسته و منفعل اند تمایل چندانی به معلم و تدریس ندارند و از طرف خانه اجباراً به مدرسه آمده‌اند تا وقت گذرانی کنند و در پایان سال با چند تجدید خواهان آنند که به والدین بقبولانند که توانایی تحصیل نداشته و بدین وسیله فرار میکنند و در این سنْ و سال راهی شهرهای بزرگ جهت کار و کارگری می‌شوند. و به شاگرد خسته و خواب آلود نباید درس داد.

دانش آموز نقش تعیین کننده‌ای در یادگیری دارد و دانش آموزان بخش مهمی از محیط یادگیری را شامل می‌شوند و واکنش‌های متفاوتی نسبت به مدل‌های مختلف تدریس از خود نشان می‌دهند، ساختار شخصیت، استعداد، توانایی‌های ذاتی و آموخته‌های قبلی دانش آموزان موجب شکل گیری سبک‌های مختلف یادگیری

می‌شود تا آنجا که هیچ یک از دانش آموزان واکنش‌های یکسانی در مقابل مدلها و شیوه‌های مختلف تدریس از خود نشان نمی دهند.

بنابراین می‌توان گفت هر دانش آموز به شیوه خاص مطالب درس را درک می کند و بر معلم است که با شناخت شاگردان و آگاهی از چگونگی کاربرد شیوه‌های مختلف تدریس، مدل مناسبی برای تدریس انتخاب نماید. مسلماً این کار نیاز به داشتن توانایی و مهارت فراوان در کاربرد شیوه‌های تدریس دارد تا آنجا که کرانباخ آنرا یک هنر نامیده است. وی اعتقاد دارد نحوه ارائه مطلب در کلاس هنر است و موفقیت در آن تابع بینش معلم ار ویژگی‌های دانش آموزان و شناخت صحیح روش‌های تدریس و کاربرد مناسب آنها در موقعیت‌ها ی مناسب است.

گاهی وجود یک شاگرد منظم و درسخوان در کلاس درس باعث شده که تمامی شاگردان از وی تأسی پذیرفته و نوعی رقابت درکلاس ایجاد شود. و همه درسخوان بوده و حرف‌های هم را چون کلامی پاک می‌پذیرند خصوصیات دانش آموزان با توجه به اینکه از کدام طبقه جامعه باشند هم در شاد بودن و درسخوان بودن کلاس مؤثر است. در جاهایی که فرزندان فرهنگیان یا کارمندان زیادی دارند معمولاً میانگین نمرات کلاس بالاتر است. شاگرد رکن اساسی آموزشی و معلم برنامه‌های خود را بر اساس استعداد و توانائی آنها تنظیم می کند. اگر شاگرد طالب درس باشد کار معلم چه زیبا و معلمانه می‌شود. کیفیت تدریس بستگی زیادی به کیفیت دانش آموزان دارد اگر دانش آموزان از لحاظ کیفی در سطح بالایی باشد

کمیت کلاس نمی تواند مانع یادگیری و آموزش باشد.

شاگردان مواد اولیه اساسی هر نظام آموزش را تشکیل داده و وظیفه این نظام تربیت آنهاست. بخش زیادی از کار آن مربوط به طرز تلقی ایشان است و سرانجام خود شاگردان محصولات اصلی نظام آموزش شمرده می‌شوند.

پدران و مادران، فرزندان خود را به این امید به مدرسه می فرستند که به افراد سودبخش برای خود و جامعه تبدیل شوند و از مدرسه انتظار دارند تا وسیله زیستن بهتر و رضایت بخش تری در اختیارشان گذاشته و آنها را به افراد توانمند تبدیل نماید و دانش آموزان سرمایه‌های اصلی نظام آموزش و پرورش هستند و در توسعه و ترقی آینده ممالک بیشترین نقش را بر عهده دارد (رسول فومنی ۱۳۸۲)

ج ـ وسایل آموزشی و کمک آموزشی:

وسایل و امکانات که باعث می‌شود یادگیری بهتر و سهل تر انجام گیرد. از کتاب، جزوه، تخته و گچ گرفته تا وسایل پیشرفته تر مانند کامپیوتر و سی دی و... همه شامل وسایل کمک آموزشی است.

امروزه صاحبنظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت بر نقش مهم و تعیین کننده فناوری آموزشی در فرآیند یاددهی ـ یادگیری تأکید می کنند و بر این باورند که میزان بهره گیری و استفاده مطلوب معلمان از وسایل کمک آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش تأثیرات سازنده‌ای خواهد داشت.

استفاده صحیح معلمان از وسایل کمک آموزشی جریان یادگیری را تسهیل می‌کند. در عینی کردن و ملموس ساختن آموخته‌ها نقش مهمی دارد. و موجب پایدارکردن آموخته‌ها در ذهن شاگردان می‌شود.

از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در یک کشور کیفیت و کمیت برون داد نظام آموزشی است که آن هم به چگونگی نظام انتقال اطلاعات برنامه ریزی شده آموزشی به فراگیران و نیز بهبود فرآیند یاددهی ـ یادگیری بستگی دارد. در دنیای امروز این امر را فناوری آموزش به مثابه پیشرفته‌ترین نظام انتقال دانسته‌ها به یادگیرندگان را در نظام آموزشی برعهده دارد.

استفاده بهینه از فناوری آموزشی در جریان تدریس به سبب فعال کردن حواس فراگیران، امر آموزش را واقعی تر کرده و ضمن غنی کردن کیفیت تدریس و یادگیری کارایی تعلیم و تربیت را ارتقاء می بخشد امروزه بهره گیری معلمان از وسایل کمک آموزشی در فرآیند تدریس موجب افزایش یادگیری و پایداری آن مؤثر است. و چون این وسایل تئوری و عمل را با هم ادغام می کند باعث می‌شود یادگیری ماندگار و پایدار و متنوع باشد.

بهره گیری صحیح از این وسایل می‌تواند سبب بروز خلاقیت در فراگیران شود و زمینه را برای حل مشکلات و تنگناهای نظام آموزشی فراهم می کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از وقت دانش آموزان ابتدایی و ۹۰ درصد شاگردان متوسطه صرف گوش دادن می‌شود که ۵۰ درصد از شنیده‌ها در ذهن می‌ماند که بعد از دو ماه

نصف می‌شود و همچنین حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد دانش آموزان با شنیداری سازگاری دارند و حدود ٦۰ تا ٦٥ درصد یادگیرندگان دیداری هستند و این یعنی اینکه آموزش و پرورش می‌بایست بیش از پیش نسبت به فراهم ساختن محیط و موقعیهای متعدد فراگیری بصری اقدام کند و فقط بر سخنرانی و حاکمیت یادگیری از طریق شنوایی تأکید نداشته باشد.

استفاده از فیلم‌های آموزشی باعث ایجاد تنوع در فرآیند آموزش می‌شود و این خود ایجاد انگیزه می کند. برای رسیدن به اهداف آموزشی از یک طرف و از سوی دیگر با توجه و اعتقاد به تفاوت‌های فردی میان آنان امکان یادگیری پایدار برای تعداد زیادتری از دانش آموزان فراهم می‌شود.

هم چنین استفاده از فیلم‌های آموزشی باعث ایجاد پیوند بین آموزش و حقایق و واقعیات می گردد و این خود در معنا دار کردن یادگیری و ثبات و استحکام آموخته‌ها تأثیر دارد. و از دیگر فوائد آن برانگیختن حس کنجکاوی تفکر خلاقانه که از عوامل مهم در جریان یادگیری معنی دار به حساب می‌آید و استفاده از وسایل آموزشی حیطه فعالیت معلم را هم وسعت می‌دهد و قدرت مانور بیشتری را برای معلمان فراهم می کند و سبب رفع خستگی دانش آموزان گردیده و نسبت به معلم و درس او علاقمند می‌سازد.

بر اساس تحقیقات انجام شده در دانش روانشناسی حدود ۷٥٪ یادگیری از طریق حس بینایی است که این اهمیت استفاده از وسایل آموزشی را می‌رساند و از ۲٥٪ باقی مانده ۱۳٪ حس شنوایی، ٦٪

لامسه، ۳٪ بویایی و ۳٪ از طریقه چشایی است و به قول مولانا:

آنچه یک دیدن کند ادرک آن

سال‌ها نتوان نمودن بیان

و به قول معروف: «شنیدن کی بود مانند دیدن؟»

بعضی از نتایج کاربرد فناوری آموزشی در جریان تدریس

۱ـ موجب تسهیل در جریان یاددهی ـ یادگیری و افزایش علاقمندانه آموخته‌های فراگیران می‌شود.

۲ـ افزایش اعتماد به نفس هم برای معلم و هم برای دانش آموزان

۳ـ سبب می‌شود دروس براس شاگردان لذت بخش و جذاب گردد.

۴ـ آموخته‌ها را معنادار میکند و ثبات و استحکام به آن می‌بخشد.

۵ـ افزایش توانایی استدلال و اندیشیدن و افزایش خلاقیت.

۶ـ یادگیری از حالت ذهنی خارج و معمولی و عینی و پایدار می‌نماید.

۷ـ دانش آموزان به استعداد و توانائی‌های خود بیشتر و بهتر پی می‌برند.

۸ـ کاهش خستگی جسمی و روانی در معلمان و فراگیران

دلایل عدم استفاده از وسایل آموزشی

ژوزف اچ کالاهان و لئونارد اچ کلارک اعتقاد دارند که استفاده از وسایل کمک آموزشی احتیاج به تلاش فراوان دارد و بسیاری از

معلمان حاضر نیستند به خود زحمت دهند تا در کارشان آزموده تر شوند و بسیاری دیگر از درک این مسأله عاجزند که روش هایی که استفاده می کنند کارایی لازم ندارند اما می‌توانند با کمی تلاش بیشتر و تغییر روش سطح کارایی و بهره دهی تدریس را افزایش دهند.

با توجه به تحقیقات انجام گرفته در زمینه کاربرد و وسایل آموزشی دلایل عدم استفاده ازآن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

۱ـ عدم رغبت و تمایل معلمان به استفاده از این وسایل

۲ـ عدم آشنایی و تسلط اندك معلمان در استفاده مطلوب از تکنولوژی

۳ـ کمبود وقت و حجیم بودن کتب درسی

٤ـ عدم نظارت و ارزشیابی صحیح از کار معلمان در استفاده از وسایل

۵ـ بکارگماردن نیروهای انسانی غیر مرتبط و غیر مشخص بعنوان کارشناسان تکنولوژی

٦ـ کمبود وسایل در بعضی از مدارس یا عدم اعتماد به نفس کافی از طرف معلم جهت بکارگیری آن.

پیشنهادهای کاربردی و عملی جهت حل این موضوع

۱ـ برگزاریٔ کلاس‌های ضمن خدمت در جهت آشنا کردن با استفاده از وسایل کمك آموزشی و فناوری روز

۲ـ بهره گیری از تجارب ارزنده مناطق موفق در این زمینه

۳ـ تهیه کتاب راهنما برای معلمین برای تمامی رشته‌ها و تمامی پایه ها

٤ـ بکار گرفتن نیروی ماهر و متخصص در پست‌های تکنولوژیست آموزش

۵ـ برگزاری همایش‌های سالانه مختلف و جشنواره‌های تدریس

٦ـ قدردانی از معلمانی که از وسایل کمک آموزشی استفاده می کند.

۷ـ تهیه نشریات و مجلات علمی و تخصصی برای افزایش آگاهی معلمان

۸ـ تأکید کمتر بر حفظیات و سطح دانش و استفاده از روش‌های جدید در تدریس

د ـ فضای آموزشی:

علاوه بر وسایل آموزشی و فناوری، فضای آموزشی تأثیر زیادی بر کیفیت تدریس دارد و نتایج بازدیدها و تحقیقات نشان می‌دهد در مدارسی که تعدادشاگردان کمتر است و صندلی‌ها با کیفیت و رنگ روشن کلاسها جذاب و دلنشین است میانگین نمرات بالاتر از مدارسی است که این امکانات وجود ندارد. بهتر است رنگ آمیزی درها و پنجره‌ها با رنگ‌های شادی مانند صورتی، سبز پسته‌ای و بنفش باشد تا محیطی جذاب برای فراگیران احساس شود (می گویند در لندن پلی وجود داشت که حدود ٦ متر ارتفاع دارد اکثر افرادی که خودکشی می کردند آن نقطه را انتخاب و خود را به پایین پرتاب می کردند پس

از تحقیقات فراوان به این نتیجه رسیدند چون رنگ پل سیاه مطلق بود دلیل انتخاب، همان رنگ را حدس می‌زدند. پس از تعویض رنگ و رنگ آمیزی آن به پرچم کشور که سفید و سرخ است میزان خودکشی در آن نقطه به صفر رسید) یا در برخی از مدارس ما دانش آموزی مسئول سنگ پشت در است اگر کسی وارد یا خارج شود خود باید آنرا پشت در بگذارد که باز نشود.)

اگر چه در مدارس قدیم یا مکتب خانه‌ها امکانات و فضای آموزشی زیادی موجود نبود ولی آموختن آنها از طریق تنبیه بدنی و اجبارهای مختلف والدین و مدرسین بود که فقط از طریق اجبار و زور زمینه آموزش را فراهم می کردند. وضعیت فیزیکی مناسب کلاس از جمله نظافت و پاکیزگی، نور مناسب، هوای لطیف، میز و صندلی راحت و سالم، تخته مناسب، وسایل سرمایشی و گرمایشی در انضباط کلاس نقش مهمی دارند. تأثیر فیزیکی کلاس می‌تواند هم یک کمک و هم یک مانع در آموزش باشد. بخشی از هنر کلاس‌داری، استفاده از فضای خود کلاس است. آرایش آن می‌تواند کنترل، یادگیری، روابط خوب و لذت کار کردن با یکدیگر نسبت داده شود. با این حال فضای کلاس تنها به فضای فیزیکی آن محدود نمی شود. بلکه به فضای عاطفی محیط یعنی روابط متقابل معلم با دانش آموزان و شاگردان با یکدیگر هم مربوط می‌شود. (شعاری نژاد روانشناسی رشد ۱۳۷۷).

هـ: نکات لازم در امتحان و ارزشیابی:

واژه امتحان از ریشه محن و هم خانواده با محنت است به معنای رنج و سختی است پس امتحان یعنی کسی را زحمت دادن و به رنج انداختن و بی‌جا نیست هر امتحانی هر چه ساده باشد معمولاً برای ممتحن یا امتحان دهنده خالی از دغده خاطر نیست و معلمان بسیاری وجود دارند که از این دغدغه‌های خاطر بچه‌ها بی‌خبرند. بعضی از معلمان با دانش آموزان خود همدلی می‌کنند این دسته معلمان دوست دارند به بچه‌ها توصیه‌های داشته باشند و قبل از امتحان راهنمایی‌های لازم را به عمل می‌آورند و در مقابل هم معلمانی وجود دارند که از امتحان بعنوان وسیله‌ای جهت تنبیه و جبران ضعف‌های خود در کلاس استفاده می‌کنند.

نقش اصلی معلم در جریان آموزش و پرورش این است که شرایط و امکانات مناسبی فراهم کند تا دانش آموزان برنامه‌های آموزشی و پرورشی را از راه تجربه و کوشش بیاموزند و در همان حال راه آموختن را هم فراگیرند. او باید اطلاعات لازم را در باورهای هر یک از دانش آموزان به دست آورد تا آنان را نیک بشناسد و شرایط آموزشی را با نیازها و امکانات زمان هماهنگ کند چنین اطلاعاتی از راه ارزشیابی امکان پذیر است.

معلم همواره باید از سطح آموخته‌های دانش آموزان خود آگاه باشد، نقاط ضعف و نارسائیهای یادگیری آنان را بداند و در جهت رفع و اصلاح آنها بکوشد. او هم چنین به دانش آموزان با استعداد و باهوش هم باید کمک کند تا با مطالعه و یادگیری بیشتر دانش خود را

گسترش دهد. بعبارت دیگر معلم باید هم به فرد کمک کند و هم به گروه تا استعدادها و قابلیت‌های خود را بشناسد و این امر هم میسر نیست مگر با امتحان و ارزشیابی

ارزشیابی و امتحان وسیله‌ای است که معلم به نقاط ضعف خود هم می‌تواند پی ببرد و درصدد رفع و اصلاح آن برآید. معلم همواره می داند که تا چه اندازه به هدف‌های آموزشی و پرورشی دست یافته است و هم چنین مهمترین عاملی است که می‌تواند در اصلاح و بهبود برنامه ها، هدف ها، روش‌ها و سایل آموزشی، پیشنهادهای مؤثری به مسئولین ارائه دهد. ارائه پیشنهادهای سازنده نیز از راه ارزشیابی‌های مستمر و هماهنگ با اصول علمی امکان پذیر است.

پس امتحان و ارزشیابی بخش جدائی ناپذیر عمل تدریس است و موفقیت هم در امر آموزش و پرورش با توانایی او در انجام ارزشیابی به شیوه علمی بستگی تام دارد. امتحان عملی است برای اندازه گیری و سنجش تغییراتی که بر اثر آموزش و پرورش در رفتار شاگرد ایجاد شده است. امتحان مکمل تدریس است و همراه با آن است تا معلوم شود که دانش آموز تا چه حد به اهداف تدریس رسیده است و وسیله امتحان کردن آزمون نام ارد و آزمون عبارت است از وسیله یا روش نظام دار برای اندازه گیری نمونه‌ای از رفتار. (سیف ۱۳۷۹)

انواع امتحان:

امتحان از لحاظ هدف و زمان مورد استفاده به سه دسته تقسیم

... امتحان ورودی یا آغازین

این ارزشیابی قبل از آغاز به تدریس انجام می‌شود هدف آن به دست آوردن آگاهی کامل از آمادگی دانش آموزان برای یادگیری مطلب جدید است به طوری که می‌دانیم یکی از شرایط لازم برای یادگیری هر موضوع آنست که دانش آموز اطلاعات و مهارت‌های معینی در رابطه با آن موضوع از قبل آموخته باشد.

با این امتحان برای معلم مشخص می‌شود که شاگردانش چه مقدار توانایی و مهارت را قبلاً آموخته‌اند. این امتحان معمولاً در آغاز سال تحصیلی، ترم تحصیلی و یا هنگامی که معلم، آموزش گروه جدید از دانش آموزان برعهده می گیرد انجام می گیرد.

ب: امتحان مرحله‌ای یا تکوینی:

امتحان تکوینی یا مرحله‌ای پس ار تدریس هر بخش از یک آموزش انجام می گیرد و هدف آن اینست تا معلوم شود دانش... مطالب تدریس شده را فراگرفته‌اند یا خیر؟ و اگر این فراگی... نشده است نارسائی‌های آن مشخص شود تا معلم نسبت... اقدام کند و امروزه به این امتحان ارزشیابی مستمر هم م... در طول سال تحصیلی در جریان است. معمولاً روزان... ماهانه است و آنرا تکوینی می‌نامند چون جریان... تکوین و ایجاد شدن است بنابراین امکان رفع مشک...

ج: امتحان پایانی یا ارزشیابی تراکمی:

به طور کلی هدف از انجام امتحان پایانی ارتقاء به درجه بالاتر است و معمولاً در پایان هر ترم آموزشی انجام می گیرد. این امتحان و نتایج آن به معلم امکان می‌دهد که نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی و آنها را بهبود بخشد و در این ارزشیابی تمامی آموخته‌های شاگردان در طول یک دوره آموزشی تعیین می‌شود و به هدف نمره دادن و قضاوت درباره کار معلم و کارنمای شاگردان است. (سیف ۱۳۷۹).

نکات لازم در طراحی امتحان

۱ـ تهیه فهرستی از هدفهای تدریس:

معمولاً هر کتاب و موضوع درسی دارای اهدافی کلی و جزئی
ن شما باید در آموزش و ارزشیابی اهداف را شناخته و بر اساس آن
ف ارزشیابی بعمل آورید. پس برای انجام امتحان اهداف هر
را مشخص سازید.

هیه فهرستی از محتوای درس:

ه دیگر در طراحی امتحان، این است که فهرستی از عناوین و
الب درسی که در ارزشیابی و امتحان ملاک عمل خواهند
شودو بر اساس ساعاتی که برای آموزش صرف شده است
ح گردد.

می‌شود.

الف: امتحان ورودی یا آغازین

این ارزشیابی قبل از آغاز به تدریس انجام می‌شود هدف آن به دست آوردن آگاهی کامل از آمادگی دانش آموزان برای یادگیری مطلب جدید است به طوری که می‌دانیم یکی از شرایط لازم برای یادگیری هر موضوع آنست که دانش آموز اطلاعات و مهارت‌های معینی در رابطه با آن موضوع از قبل آموخته باشد.

با این امتحان برای معلم مشخص می‌شود که شاگردانش چه مقدار توانایی و مهارت را قبلاً آموخته‌اند. این امتحان معمولاً در آغاز سال تحصیلی، ترم تحصیلی و یا هنگامی که معلم، آموزش گروه جدیدی از دانش آموزان برعهده می‌گیرد انجام می‌گیرد.

ب: امتحان مرحله‌ای یا تکوینی:

امتحان تکوینی یا مرحله‌ای پس ار تدریس هر بخش از یک مطلب آموزش انجام می‌گیرد و هدف آن اینست تا معلوم شود دانش آموزان مطالب تدریس شده را فراگرفته‌اند یا خیر؟ و اگر این فراگیری حاصل نشده است نارسائی‌های آن مشخص شود تا معلم نسبت به رفع آن اقدام کند و امروزه به این امتحان ارزشیابی مستمر هم می‌گویند چون در طول سال تحصیلی در جریان است. معمولاً روزانه، هفتگی و یا ماهانه است و آنرا تکوینی می‌نامند چون جریان یادگیری در حال تکوین و ایجاد شدن است بنابراین امکان رفع مشکل هنوز وجود دارد.

ج: امتحان پایانی یا ارزشیابی تراکمی:

به طور کلی هدف از انجام امتحان پایانی ارتقاء به درجه بالاتر است و معمولاً در پایان هر ترم آموزشی انجام می گیرد. این امتحان و نتایج آن به معلم امکان می‌دهد که نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی و آنها را بهبود بخشد و در این ارزشیابی تمامی آموخته‌های شاگردان در طول یک دوره آموزشی تعیین می‌شود و به هدف نمره دادن و قضاوت درباره کار معلم و کارنمای شاگردان است. (سیف ۱۳۷۹).

نکات لازم در طراحی امتحان

۱ـ تهیه فهرستی از هدفهای تدریس:

معمولاً هر کتاب و موضوع درسی دارای اهدافی کلی و جزئی است شما باید در آموزش و ارزشیابی اهداف را شناخته و بر اساس آن اهداف ارزشیابی بعمل آورید. پس برای انجام امتحان اهداف هر درس را مشخص سازید.

۲ـ تهیه فهرستی از محتوای درس:

اقدام دیگر در طراحی امتحان، این است که فهرستی از عناوین و رؤس مطالب درسی که در ارزشیابی و امتحان ملاک عمل خواهند بود تهیه شودو بر اساس ساعاتی که برای آموزش صرف شده است سؤال مطرح گردد.

۳ـ استفاده از طرح جدول دو بعدی:

اولین قدم در سنجش یادگیری یا عملکرد تحصیلی دانش آموزان تهیه طرح سنجش است که به آن جدول مشخصات گفته می‌شود و این طرح جدولی دو بعدی است که هدف آموزش را به محتوای درس ربط می‌دهد و وزنی که باید به هر یک از زمینه‌های یادگیری داده شود مشخص می‌کند. بنابراین علاوه بر هدف‌های آموزشی و محتوای دروس مربوط به هر هدف درصد و تعداد پرسش‌های مربوط به هر هدف نیز تعیین می‌شود بعبارت دیگر یک جدول دو بعدی است با تعدادی ستون و ردیف متناسب با محتوا و هدف آموزشی است در ردیف ردیف بالایی که بعد محتوا نام دارد اجزای مطالب درسی نوشته شود و در ستون کنار آن که بعد اهداف نام دارد فهرست اهداف آموزش قرار می‌گیرد. از فواید این جدول اینست که از تمام محتوا و بخش‌های کتاب سئوال طرح و هم چنین تا حدودی سطح سه حیطه مختلف در محیط‌های مختلف در تدریس رعایت خواهد شد.

برای مشخص کردن وزن زمینه‌های یادگیری می‌توان از ملاک‌های زیر استفاده کرد.

- اهمیت نسبی هر هدف آموزشی، محتوای مربوط به آن و هر یک از موضوع‌های تدریس
- حجم یا تعداد صفحه‌های کتاب درسی که به هر موضوع اختصاص داده شده است.
- مقدار زمانی که برای آموزش هر موضوع صرف شده است.

در واقع طرح سنجش که به طور مناسب تهیه شده باشد تأییدی بر

روایی ابزار سنجش است و به کلامی دیگر بین آنچه سنجش می‌شود و آنچه آموزش داده شده است تطابق وجود دارد.

٤: انواع مختلف سؤالات:

مانند جاخالی، چند گزینه‌ای به پاسخ کوتاه (جور کردنی) و تشریحی استفاده شود.

٥: تکثیر کردن سؤالات به صورت تایپ‌شده بر کاغذ مرغوب

سؤالات سعی شود تایپ شده و کاغذ مرغوب تکثیر و فضای کافی برای ثبت مشخصات کامل شاگردان وجود داشته باشد.

٦: سعی شود سؤال اول آسان طرح شود تا شاگردان روحیه خود را از دست ندهند.

٧: در ابتدا راهنمای سؤالات نوشته شود و وقت کافی هم برای پاسخ دهی آن در نظر گرفته شود.

در اجرای امتحان

امتحان باید به صورت امر عادی و بدون تشریفات صورت گیرد و محیط امتحان بدون هیچ گونه عوامل اضطراب و حواس پرتی باشد و طوری باشد که دانش آموزان آنرا همانند ساعات تدریس بدانند بعلاوه محیط باید نور کافی و سایر تسهیلات داشته باشد و رفتار مراقبان رفتاری محبت‌آمیز و دوستانه باشد.

برای رفع اضطراب اعمال زیر را بکار ببرید:

۱ـ در طول سال تحصیلی روش‌های مطالعه را به آنها نشان دهید.

۲ـ برای فهم همه مطالب آنها را توجیه کنیم که با هم کلاسی‌های خود بحث کنند.

۳ـ چند نمونه از سؤال‌های سال‌های گذشته را در اختیار آنان بگذاریم.

٤ـ قبل از امتحان اولیای آنان را به مدرسه دعوت و از آنها بخواهید که فضای منزل را مقداری امتحانی نمایند.

٥ـ از روش یادداشت برداری استفاده کنند و معمولاً در یک جای مشخص به مطالعه بپردازند.

٦ـ قبل از شب امتحان خواب کافی داشته باشند. در واقع اضطراب هنگامی بوجود می‌آید که تهدیدی برای نمره گرفتن و عزت نفس او بوجود آید و معلمین آگاه به عنوان روانشناسی و آشنا با مسائل تعلیم و تربیت میزان اضطراب امتحان را به حداقل می‌رسانند.

۷ـ زمان کافی برای امتحان در نظر بگیرید و در هنگام اجرا از میزان سر و صدا بکاهیم و مرتب اعلام نشود که وقت در حال اتمام است.

تصحیح سؤالات امتحانی

۱ـ اگر ممکن است برای سؤالات امتحانی کلید تهیه نمایید و به فهم شاگردان از مطالب نمره دهید نه فقط نوشتن عین مطالب از کتاب

۲ـ هنگام تصحیح از شناسایی نام آنها خودداری کنید.

۳ـ تمام پاسخ‌های آزمون شوندگان را در یک نشست و بدون وقفه تصحیح نمایید.

٤ـ اگر ممکن است سؤال به سؤال تصحیح شود نه ورقه به ورقه

٥ـ در تصحیح حوصله به خرج دهید و تمامی نوشته‌های شاگردان را بخوانید.

٦ـ نتایج امتحانات را زود اعلام کنید چون دوست دارند تا نتیجه کار خود را زود ببینند.

پدیده تقلب، علل و درمان

اگر دانش اموزی بدون استفاده از معلومات خود با دست یابی قبلی به پاسخ سؤالات و یا در حین امتحان نمره‌ای کسب کند این کار او تقلب محسوب می‌شود. مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که دانش آموزان دبستانی، به ویژه دانش آموزان اول تا چهارم با تقلب آشنا نیستند و امکان این که در امتحان دست به چنین کاری بزنند تقریباً صفر است. اما چه می‌شود که بسیاری از همین بچه‌ها وقتی قدم به دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان می‌گذارند چنان تبحری در تقلب پیدا می‌کنند که هر روزه شیوه‌ای جدید ابداع می‌کنند. از آنجا که برای شروع و انجام هر کاری باید انگیزه‌ای در فرد موجود باشد تقلب هم برای خودش علل و انگیزه هایی دارد که در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم.

علل تقلب:

۱ـ ترس از نمره نیاوردن

۲ـ حوصله نداشتن و تنبلی در درس خواندن

۳ـ ترس از عدم موفقیت

٤ـ عدم آگاهی به زشتی تقلب

۵ـ بد آموزی از والدین و اطرافیان که اگر نتوانستی بنویسی به بغل دستی نگاه کنی.

٦ـ کوتاهی‌های معلم

۷ـ ترس و سرزنش پدر و مادر به دلیل کسب نمره و ضعیف و تنبیه شدن

۸ـ افرادی هستند که اهل مطالعه‌اند ولی در جلسه امتحان به دلایلی مانند اضطراب و... مطالب را فراموش می‌کنند.

دلایل جلوگیری از تقلب:

۱ـ انجام تقلب دست کم گرفتن معلم، و در واقع اهانت به اوست.

۲ـ دانش آموز متقلب هیچ تلاشی برای یادگیری نمی کند.

۳ـ ناامیدکردن دانش آموزان ساعی از تلاش چون می‌بینند فرد در کلاس تنبل بوده و با تقلب نمره می‌اورد.

٤ـ در واقع تقلب نوعی دزدی است و بدآموزی‌های زیادی را به همراه دارد.

درمان تقلب:

۱ـ کاهش اضطراب امتحان چون دلیل اصلی تقلب است.

۲ـ شرکت دادن دانش آموزان در تصمیم گیری‌های امتحان تا احساس مسئولیت کنند مانند تنظیم برنامه امتحانی و زمان آنها.

۳ـ پای بندی به اصول اعتقادی و اخلاقی تا خودشان آنرا مانند انجام گناه بدانند.

٤ـ ضمن اینکه فضای امتحان صمیمی است نظارت دقیق بر جلسه امتحان توسط مراقبین صورت گیرد.

٥ـ حذف عوامل تقلب مانند رعایت فاصله صندلی‌ها ـ استفده صندلی‌های مناسب و تازه

٦ـ برخورد با متخلفین مانند کسر نمره و سایر تنبیهات.

۷ـ استفاده از انواع مختلف سؤالات.

انواع حیطه‌های آموزشی:

متخصصان و اندیشمندان تعلیم و تربیت و از جمله دکتر بنجامین بلوم که سرپرستی یک گروه آموزشی را بر عهده داشته هدف‌های آموزشی را در سه حیطه و حوزه تقسیم بندی کرده‌اند.

الف ـ حوزه شناختی: (Cognitne domain)

که شامل معلومات و توانائی‌های ذهنی و حفظیات است و خود آن دارای ٦ خورده طبقه که از آسان به ساده تشکیل شده است.

۱ـ الف ـ دانش:

شامل یادآوری و بازخوانی و بازشناسی امور جزئی و کلی می‌باشد به طوری که آنچه را در تعریف و در جواب چیست می‌آید دانش است معمولاً فعل‌های تعریف کنید، نام ببرید، چیست، در این خرده طبقه هستند

۲ـ الف ـ درک و فهم:

یعنی درک مطلب که فرد از طریق آن درمی یابد هدف اصلی مطلب چیست؟ و آنچه شامل ترجمه و تفسیر باشد فهمیدن است. معمولاً با فعل‌های ترجمه کردن ـ به زبان خود بیان کردن ـ رسم کردن ـ نتیجه گیری ـ باز چینی کردن همراه است.

۳ـ الف ـ کاربرد:

استفاده از مطالب انتزاعی در موقعیت‌های عینی و عملی و آنچه مربوط به قانون یا محاسبات ریاضی که در موقعیت‌های عملی زندگی بکار می‌رود و با (فعل‌های بکاربستن ـ تعمیم دادن ـ ربط دادن ـ درست کردن ـ انتقال دادن) همراه است.

٤ـ الف ـ تحلیل و تجربه:

یعنی شکستن یک مطلب یا موضوع به اجزاء یا عناصر تشکیل دهنده آن شامل فعل‌های مقابله کردن ـ تجزیه کردن ـ طبقه بندی کردن ـ تحلیل کردن و استنتاج کردن است.

۵ـ الف ـ ترکیب:

کنار هم قرار دادن عناصر و اجزاء برای ایجاد یک کل یک پارچه و تولید طرح یا ساختی که قبلاً بدین شکل نبوده است. ترکیب همان فعالیت ذهنی است که به آفرینندگی یا خلاقیت معروف است. (معمولاً با افعال تغییر دادن ـ مستند کردن ـ پیشنهاد کردن ـ تولید کردن ـ طبقه بندی کردن ـ استنتاج کردن ـ ایجاد کردن همراه است)

٦ـ الف ـ ارزشیابی:

یعنی داوری در باره‌ی ارزش مطالب و موضوعات دو یا چند گانه. (معمولاً با فعل‌های داوری کردن ـ بحث کردن ـ توجه کردن ـ مقایسه کردن ـ مقابله کردن ـ ارزشیابی کردن همراه است.) لازم به ذکر است که حیطه شناختی سبب آسانی در تهیه و کاربرد آن اکثر ارزشیابی‌های معلمان و فعالیت آنان در این حوزه یا حیطه است و ۹۰ درصد مطالب و موضوعات امتحانی را شامل می‌شود

ب: حیطه عاطفی (Affectine domaion)

حوزه عاطفی با علاقه و انگیزش ـ نگرشی و قدردانی و ارزش گذاری سرو کار دارد و به طور کلی شامل احساسات نگرش ها، و عواطف است که شامل ۵ خرده طبقه است.

۱ـ ب ـ دریافت یا توجه:
در این طبقه فرد نسبت به موضوع توجه می‌کند برای مثال فراگیر به سخنان معلم گوش می‌دهد.

۲ـ ب ـ پاسخ دادن:
در این طبقه فرد با انگیزه و فعال است و عکس العمل نشان می‌دهد مانند فراگیران به معلم پاسخ می‌دهد یا اینکه فراگیران قوانین مدرسه را رعایت می‌کنند.

۳ـ ب ـ ارزش گذاری:
در این طبقه فرد برای موضوع یا مطلبی ارزش قائل می‌شود در این سطح یک ارزش مطرح است نه نظام ارزشی؟ از این طبقه به بالا ثبات و پایداری دیده می‌شود برای مثال فراگیران آداب بهداشتی را رعایت می‌کنند چون به مقام ارزش آن پی برده‌اند.

۴ـ ب ـ سازمان دهی ارزش‌ها:
در این طبقه برای فرد نظام ارزش معنی پیدا می‌کند و بنا به شرایط ارزشی را بر ارزش دیگر ترجیح میدهند مانند فرد پذیرش مهمان را به مطالعه کردن ترجیح می‌دهد.

۵ـ ب ـ تبلور شخصیت: در این طبقه فرد در زمان‌ها و مکان‌ها به ارزش‌ها مقید است و به همین لحاظ ارزش‌ها در رفتار فرد منعکس است و در واقع ارزش ملکه درونی می‌شود.

برای مثال فرد همیشه و همه جا به دیگران خدمت می کند

ج: طبقه روانی و حرکتی (Psycho motor domain)

حوزه روانی ـ حرکتی

به فعالیت هایی که بیشتر جنبه حرکتی و جسمانی دارند مانند تایپ کردن، ورزش کردن و انجام مشاغلی که به مهارت‌های گوناگون نیاز دارند مربوط می‌شود و هر فعالیتی که علاوه بر جنبه روانی دارای جنبه جسمانی است در این حوزه جای می گیرد و در مدارس ما برای دروسی که عملی هستند مانند دروس هنرستان و دروس تربیت بدنی بیشتر از این حوزه استفاده می‌شود و از ٥ خرده طبقه به شرح ذیل است:

۱ـ ج ـ تقلید:

فرد نمی تواند بدون کمک دیگران عملی را انجام دهد مانند گره زدن ـ دریبل دادن و ویژگی بارز این طبقه وابستگی است ودر واقع فرد مشاهده کننده است

۲ـ ج ـ اجرای مستقل:

فرد یاد می گیرد عملی را مستقللانه انجام دهد مانند مسواک کردن ـ وضو گرفتن

۳ـ ج ـ دقت:

فرد عملی را دقیق ـ سریع و موزون انجام می‌دهد مانند کاشی کاری کردن

٤ـ ج ـ هماهنگی حرکات:

فرد چند فعالیت را همزمان انجام می‌دهد مانند رانندگی کردن و به موسیقی گوش دادن ـ کار با کامپیوتر و غذا خوردن

۵ـ ج ـ عادی شدن:

فرد چند فعالیت را به شکل روان و اتوماتیک وار انجام دهد و در این طبقه تسلط و احاطه فرد برآیند فعالیت‌های مشهود اوست و از تعادل روانی برخوردار است مانند رانندگی در جاده‌های صعب العبور و پر ترافیک.

بخش سوم: نقش و وظیفه معلم در اسلام

قرآن مجید می‌فرماید:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لاَ يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُوا الأَلْبَابِ[1]

آیا آنان که می‌دانند با آنهایی که نمی دانند برابرند البته تنها خردمندان متذکر می‌شوند.

آیه‌ی فوق و صدها آیه‌ی دیگر اهمیت معلم و علم و دانش را در اسلام آشکار می‌سازد و در این مورد کتب و رسائل زیادی نوشته شده و احادیث غنی بسیاری یافت می‌شود و اسلام به معلم صفاتی که باید دارا باشد بسیار ارج می‌نهد. طوری که حضرت علی (ع) فرموده است: «هر کس حرفی به من آموخت مرا بنده خود کرده است».

اسلام نخستین بار از کمترین فرصت و دقیق‌ترین آن برا ی مبارزه با جهل استفاده کرد و به اسیران بدر فرمود هر کس ده نفر از مسلمانان را خواندن و نوشتن آموزد حکم آزادی او صادر می‌شود و این نشان عالی‌ترین امتیاز برای معلم و اهل علم می‌باشد و در زمانیکه همسایگان او دختران را زنده به گور می‌کردند ایشان طلب علم را بر زن و مرد واجب دانست و آن را از ضروریات خانواده می‌داند.

پیامبر اسلام هیچ‌گاه علم و تحصیل را به مکان خاص محدود نکرد

---

[1]. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹.

و برای جویندگان علم فرمود برای فراگیری علم به دورترین نقاط دنیا سفر کنید و متعصب نباشید برای کسب دانش متحمل سختیها عین آسانی است. و جالب است که تحصیل را هم به زمانی خاص محدود نکرد بلکه چنین گفت پیامبر راستگوی ـ زگهواره تا گور دانش بجوی. پس باید از لحظه تولد به فکر تربیت بود و این چیزیست که امروزه روانشناسان و عالمان تعلیم و تربیت اذعان دارند که ظرفیت حافظه انسان نامحدود است و اگر تا آخر عمر در حال یادگیری باشی باز هم حافظه گنجایش آنرا دارد و مانند نوار DVD، CD یا رایانه نیست که ظرفیتش مشخص باشد این دیدگاه باز فرامکتب بزرگ اسلام را می‌رساند.

پرورش و آموزش بخشی از مأموریت رسول خدا بود و اولین آیاتی که بر ایشان نازل شد و در مورد علم و دانش بود و در جایی خودش مداد علماء را با فضیلت تر از خون شهداء می‌داند. و بارها و بارها فرمود:

إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّماً[1]

من به عنوان معلم مبعوث شده‌ام.

---

۱. جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی: الفتح الکبیر فی ضم الزیادة إلی الجامع الصغیر، تحقیق: یوسف النبهانی، ص ۳۰۷، حدیث شماره‌ی ۸۷۴۷، دار الفکر، بیروت، لبنان ۱۴۲۳هـ /۲۰۰۳م.

اهمیت آموزش و پرورش در اسلام

قرآن کریم در باره آموزش و پرورش در ابتدای سوره حجر می‌فرماید:

هُوَ الَّذي بَعَثَ فِي الأُمِّيِّينَ رَسُولاً منهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِه وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمْ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإنْ كَانُوا منْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ[۱]

خدا کسی است که از میان بی‌سوادان پیغمبری را بر انگیخته است و به سویشان گسیل داشته است تا آیات خدا را برای آنها بخواند و آنا را پاک بگرداند او به آنان کتاب (قرآن) و شریعت (یزدان) را می‌آموزد. هرچند آنان پیش از آن تاریخ واقعاً در گمراهی آشکاری بودند.

پیامبر اسلام (ص) برای آموزش و پرورش آمده است و این می‌رساند که جامعه همان گونه که متخصص لازم دارد به تعهد نیز نیاز دارد. در سوره‌ی جمعه، حتی تربیت و پرورش مقدم بر آموزش دانسته شده است. پیامبر اکرم (ص) همراه با معجزه برای پرورش و آموزش فرستاده شده است. این آیات ابتدا هدف از بعثت تمامی انبیاء از جمله رسول اکرم (ص) و همچنین اهمیت دبستان و دبیرستان و دانشگاه را بیان می‌نماید و سپس می‌فهماند که اگر آموزش بدون پرورش باشد چیزی جز حیوان بارآوردن نیست.

---

۱. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲.

مراحل تربیت در اسلام

پیامبر اسلام در حدیثی زیبا مراحل تربیت را بسیار زیبا بیان می‌نماید، می‌فرماید:

الولد سبع سنین سید سبع سنین عبد سبع سنین وزیر.

فرزند هفت سال سرور است، هفت سال برده است، هفت سال وزیر.

هفت سال اول دوره سیادت و آقایی (به قول دکتر شکوهی دوران پرستاری) است این در بیان اهمیت دوران کودکی است و امروزه در اکثر نقاط دنیا بچه‌ها را از ۷ سالگی به مدرسه می‌فرستند و بچه هفت سال اول در خانواده است و این دوران دوران بازی‌های کودکانه است و هم ایشان می‌فرماید:

دع ابنک للعب سبع سنین.

هفت سال بگذار بچه‌ات بازی کند.

اهمیت بازی بر هیچ کس پوشیده نیست و بعضی از فوائد آن به شرح ذیل است:

۱ــ بازی زمینه رشد فیزیکی و کنترل بدنی کودک را فراهم می کند

۲ـ در تکوین ساختمان بدن اهمیت خاص دارد.

۳ـ در رشد زبان و مهارت آمیزی مؤثر است.

٤ــ کودک را خلاق بار می‌آورد و سبب شکوفایی استعداد می‌شود.

دوران دوم: دوره تأدیب

کودک از ۷ سالگی به بعد تکلیف پذیر می‌شود و این مرحله تأدیب است و باید ادب آموزی شود و در این مرحله به بعد که بعد از مرحله پرستاری است طبیعت حیوانی آدمی را به طبیعت انسانی تبدیل می کند و تقریباً در اواخر این دوران است که بلوغ شروع می‌شود که پیامبر اسلام بسیار سفارش‌ها به والدین دارند و می‌فرماید تکالیف و مسئولیت‌ها را به بچه‌ها بسپاریم. امروزه دوران بلوغ را نامهای مختلف می‌نامند بعلت مهم بودن آن از جمله موریس دبس آنرا دوران فشار می‌نامند و اریکسون ۱۹۶۸ آنرا بحران می‌نامد.

دوران وزارت

مرحله سوم مرحله وزارت است دوران وزارت دورانی که مسئولیت‌ها و دوران خود مختاری‌ها شروع می‌شود و مصادف است با سال‌های آخر دبیرستان و اوایل دانشگاه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و گاهی دیده شده که پیامبر فرماندهی بعضی از جنگ‌ها را به جوانان می‌سپرد.

انسان در اسلام

اسلام انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که دارای دو بعد روانی و جسمانی است و آنرا اشرف مخلوقات می‌داند و مختار در عالم هستی که با تربیت صحیح می‌تواند راههای ترقی را پیموده و خود را

به اوج برساند به قول سعدی:

رسد آدمی به جایی که جز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

انسان در اسلام خلیفه خداست در زمین و جانشینی که بار امانت را به دوش کشیده تا به مقصد عالی برساند و در سوره تین می‌فرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ[1]

ما انسان را (از نظر جسم و روح) در نیکوترین ساختار و زیباترین سیما آفریده‌ایم.

به طوری که انسان در بهترین ترکیب و زیباترین صورت آفریده شده است.

همین انسان اشرف مخلوقات خداوند، و کسیکه بالاتر از ملائک می‌تواند باشد اگر خدای ناخواسته دچار سوء تربیت گردد و به حضیض می‌رسد و مقام عالی را به پست‌ترین مقام تعویض می‌نماید و مانند انعام و چه بسا بدتر است (سوره انعام) . و می‌تواند صاحب صفت‌های زشتی مانند کفور، ظلوم، هلوع و... گردد.

از طرف دیگر انسان در اسلام صاحب کرامت است و کرامتی که او را به دیگر موجودات برتری بخشیده و چون خداوند از روح خود در او دمیده است و به همین دلیل رنگ الهی دارد و اسلام انسان را دارای صاحب اراده و اختیار می‌داند چون اراده و اختیار دارد. در مسیر انحطاط به تدریج با قاطعیت بیشتری قدم برمی دارد و چون قدرت

---

[1]. سوره‌ی تین، آیه‌ی ٤.

تفکر دارد برای اهداف شیطانی حرمتی قائل نیست و انسان اسلامی اندیشمند است و در اهمیت عقل و اندیشه همین بس که وقتی خداوند آدم را آفرید جبرئیل را بر او فرستاد و فرمود به آدم بگو تو از بین سه چیز یکی را باید انتخاب کنی: عقل، حیا و دین. آدمی عقل را برگزید و جبرئیل به دوتای دیگر گفت شما بروید زیرا آدم شما را برنگزید. آن دو (حیا و دین) گفتند ما مأمور هستیم عقل هر کجا باشد ما هم آنجا باشیم. این مطلب گویای قدر و منزلت بسیار بالای عقل در وجود انسان است. باید گفت عقل سلیم حتماً دین را برمی گزیند و قطعاً حیا و عفت را در نظرگاه خود قرار می‌دهد.

آشنایی با بعضی ازروش‌های تنبیه اسلامی

پیرامون تشویق کردن مطالب فراوانی وجود دارد لازم است در باره‌ی شیوه‌های تنبیه هم مطالب مختصری ذکر شود متأسفانه تا بحث تنبیه به میان می‌آید همه کتک کاری و تنبیه بدنی به ذهنمان خطور می‌کند در حالیکه چنین نیست و بعضی از معلمین ما انواع تنبیه را نمی شناسند.

تنبیه به معنی بیدار کردن و آگاه ساختن است در فرهنگ لغت آنرا مصدر متعددی و به معنی هوشیار کردن می‌داند سعدی می‌فرماید:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

جبران خلیل از علمای مسیحی تعلیم و تربیت جمله زیبایی دارد

که تکرار آن بی‌فایده نیست می گوید تشویق مانند خورسید است و تنبیه مانند ماه پس تا خورشید باشد ماه نوری ندارد یعنی چه: یعنی اینکه تا زمانی که جایی تشویق وجود دارد باید تشویق کرد مگر اینکه دیگر از دست تشویق کاری ساخته نشود بعد نوبت تنبیه می‌رسد. در مورد تنبیه دو دیدگاه وجود دارد.

۱ـ عده‌ای به طور کلی با تنبیه و اقسام آن مخالفند و دلیل خود را یکسری مسائل اخلاقی و روانی فلسفی عنوان می کنند از جمله می گویند فردی که تنبیه می‌شود هتک حرمت می‌شود، به مربیان بی‌اعتماد می‌شود، ترس و اضطراب بر وی غالب می گردد و در مقابل زور تسلیم می‌شوند بعضی از مربیان بزرگ در دنیا مانند: پستالوزی (۱۷٤٦ـ ۱۸۲۷)، روسو (۱۷۱۲ـ ۱۷۷۸)، و جان لاک (۱٦۳۲ـ ۱۷۰٤) از مخالفان تنبیه هستند و البته روسو برای تنبیه طبیعی که توسط محیط انجام می گیرد معتقد است که امیل باید توسط طبیعت تنبیه شود.

۲ـ نظریه دیگری هر چند در نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت در دنیا زیاد مطرح نیست ولی در عمل مشاهده می‌شود می گویند تنبیه به معنای اصلش که بیدار کردن است راهی است جهت اصلاح سرکشی انسان و مایه تأدیب و خیر انسان است. اینان می گویند اصولاً تنبیه باید باشد و اگر نباشد زمام امور مدرسه و کلاس رها می‌شود و تربیت شونده تنبل و رفاه طلب بار می‌آید و می گویند اگر تنبیه نباشد تشویق حرمت خود را از دست می‌دهد و اینان معتقدند که ترس از تنبیه است که امنیت بوجود می آورد.

اسلام هم در سیستم تربیتی خود اصل تنبیه را بعنوان آخرین روش

تربیتی پذیرفته است به این معنی که وقتی مربی تمامی روش‌های تربیتی را به نسبت به تربیت شونده اعمال کرد ولی در تقویت یا تضعیف یا تغییر رفتار موفق نشد اصل تنبیه ضرورت خود را می‌یابد.

وجود جهنم و عذاب اخروی مجرمین در آیات قرآنی دلیل روشنی است که اسلام اصل تنبیه را قبول دارد و نزول و عذاب جهت اقوام مختلف در قرآن و پیکار مسلمین با کفار هم از دلایل کاربرد تنبیه است و اولین تنبیه بشر بیرون راندن آدم از جنت است.

انواع تنبیه غیربدنی در نظام تربیتی اسلام

همان گونه که ذکر شد تنبیه آخرین روش تربیتی است یعنی مربی همه راه‌ها را رفته و مؤثر واقع نشده در اینجا بحث تنبیه پیش می‌آید انواع تنبیه غیر بدنی عبارتند از:

الف ـ تذکر غیر مستقیم همراه با کنایه و اشارات مبهم:

برای اینکه بین معلم و شاگرد حجاب حیا حفظ شود معلم باید در مرحله اول خلاف و اشتباه تربیت شونده را همراه با کنایه و اشاره گوشزد کند چون گاهی اوقات آشکارگویی و صراحت فرد را جسورتر میکند. بسیاری از مواقع کنایه و اشاره کردن کارسازتر از آشکار گفتن است.

ب ـ تغافل:

عبارت است از اینکه آدمی چیزی را بداند و از آن آگاه باشد ولی عمدی خود را غافل نشان دهد. و طوری وانمود کند که از آن بی‌خبر است. این عمل اگر بجا و صحیح انجام گیرد از نظر اخلاقی بسیار

ممدوح است و می‌تواند نتایج خوبی داشته باشد و گاهی اوقات ثمرات عالی و نتایج جالبی دارد. گاهی عیوب دیگران رانادیده گرفتن و خویشتن را در نظر لغزشهای این و آن بی‌اطلاع نشان دادن در اصلاح اخلاق و اعمالشان مؤثرتر از اظهار کردن و به رو آوردن است پس با آگاهی می‌توانیم تغافل را جایگزین انتقاد نمائیم داستان حضرت یوسف در قرآن سراسر تغافل است.

ج ـ تذکر و نصیحت:

یکی دیگر از راه‌های اصلاح و تربیت تذکر و نصیحت است که شرایطی دارد که در اینجا به اختصار ذکر می‌شود.

۱ـ نصیحت در خلوت: موعظه و نصیحت در جمع سبب آبروریزی می‌شود پس بهتر است در خلوت و بسیار متین و محترمانه عرض شود تا سبب اعتماد شود.

۲ـ نصیحت در وقت و زمان معین: نصیحت باید به موقع انجام گیرد و ناصح اگر زودتر از موقع یا دیرتر از آن اقدام نماید و شتاب به خرج دهد اثر بد خواهد گذاشت.

۳ـ نصیحت با حکمت و دلیل باشد و الا سبب لج و لج بازی خواهد شد.

٤ـ در نصیحت باید زمینه و سن را در نظر گرفت یعنی اولاً زمینه‌های روحی طرف را فهمیده و بدانیم چه اندازه ظرفیت دارد و در ثانی اگر کوچکتر، بزرگ تر را نصیحت کند مطمئناً نتیجه اثر چیز دیگری است.

۵ـ اگر نصیحت با خشوع و خضوع و با فروتنی انجام گیرد میل طرف را به قبول دستورات بیشتر می کند.

نکاتی پیرامون پند و نصیحت به کودک

۱ـ در پند و اندرز فشار روی خود کودک باشد و همه جا بحث از خیرو سعادت و سلامت او مطرح شود.

۲ـ هشدار دادن به کودک بصورتی که بفهمد در وضع مطلوب نیست و باید خود را اصلاح کند.

۳ـ در پند و اندرز نباید زیاد سخت گرفت هر چند سستی هم نباید کرد.

٤ـ در پند و اندرز حدود و فهم کودک را در نظر گرفت به طوری که سبب بدآموزی ایشان نگردد.

۵ـ در پند و نصیحت باید روحیه کودک را در نظر گرفت.

٦ـ در پند و نصیحت باید راه‌های فضیلت را به او نشان دهیم نه آنکه حیله و نیرنگ را به او بیاموزیم.

د ـ اغماض و چشم‌پوشی:

نادیده گرفتن خطاهای اولیه متربی به وسیله مربی را اغماض گویند. اغماض را می‌توان سکوت مربی در مقابل خطای متربی تلقی کرد ـ در اغماض به تربیت شونده فرصت می‌دهیم که خودش را اصلاح کند و شاید از این راه اغماض بتوان تربیت شونده را به جاده مستقیم رهنمون کرد و اگر در این مرحله موفقیت حاصل نشد نوبت مراحل بعدی است.

هـ ـ ملامت و سرزنش

منظور از ملامت، نوعی سرزنش است که معمولاً پس ار ارتکاب یک عمل ناصواب که پیش از آن تذکری در باره‌ی عواقب سوء آن داده شده است بکار می‌رود ـ به هنگامی که مربی تذکری به کودک داده و او آنرا مورد تأیید و عمل قرار نداده و مجدداً مرتکب آن می‌شود باید مورد سرزنش و ملامت قرار گیرد و این ملامت به حقیقت تذکر مجدد به کودک است. تا دریابد که عمل او ناصواب بوده و دیگر آنرا تکرار نکند ـ البته باید بدانیم زیاده روی در ملامت و سرزنش آتش لجاجت را شعله ور می‌سازد البته سرزنش خود مراتبی دارد که از آسان شروع می‌شود و به سخت می‌رسد مثلاً از یک نگاه عادی تا نگاه توأم با شدت و معنی دار و به زبان آوردن پی آمد عمل خلاف در قالب یک داستان می‌تواند باشد.

و ـ چهره درهم کردن و محروم کردن

معمولاً تصور می‌شود که چهره درهم کردن مرحله‌ای از سرزنش است اما این‌ها متفاوتند زیرا سرزنش ممکن است تربیت شونده را به وسیله یک تذکر شفاهی و کتبی که توام با شدت است سرزنش کرده باشیم و احتمال اینکه اصلاح شود زیاد است ولی اگر اصلاح نشد و مربی به هدف تربیتی نرسید معلم باید چهره را در هم کشد و به تربیت شونده بفهماند که از کار ناپسند او ناراضی است.

همراه با چهره درهم کردن ممکن است تربیت شونده را از چیزی محروم کنیم و غرض ما از محروم کردن عبارت است از دور داشتن

کودک از چیزی که مورد علاقه اوست، محرومیت از تفریح و غذای مورد علاقه یا مسابقه و بازی که دوست دارد. ممکن است روی کودک ناسازگار تأثیر مطلوب بگذارد و احتمال اینکه در این مرحله به اصلاح برسد زیاد است.

ز ـ قهر کردن

قهر در لغت به معنای چیره شده، غلبه کردن است ـ می‌تواند از قهر بعنوان عامل جهت دهنده و بازدارنده از اعمال ناپسند استفاده کرد این عمل اگر آگاهانه و هوشیارانه انجام گیرد بخصوص توسط والدین یا معلمین در رابطه با دانش آموزان ابتدایی بسیار مؤثر است البته به شرط اینکه زیاد طولانی نشود و به کینه تبدیل نشود و اگر کودک متوجه عمل غلط خود شد و عذر خواهی کرد باید عذر او را پذیرفت و در صورت امکان با هدیه‌ای محبت او را جلب کرد.

معلمان عزیز لازم و صحیح نیست که از کلاس درس قهر کنند زیرا با این کار زبونی و ناتوانی خود را به شاگردان می‌رسانند.

ح ـ اخطار:

اخطار می‌تواند شفاهی یا کتبی باشد مثلاً اعلام نماییم که دیگر جای تو در این مدرسه نیست و اگر عمل خلاف ادامه یابد به او مهلت مشخصی می‌دهیم مثلاً تا ۱ هفته تا چند روز دیگر البته در اخطار باید کلمات طوری ادا شود که ناشی از کینه و حسد نباشد و عاری از کلمات توهین‌آمیز باشد زیرا این کلمات موجب عداوت می‌گردد.

(در آئین نامه مدارس بعضی از مراحل ذکر شده است).

نکات قابل ملاحظه در اخطار:

۱ـ در اخطار به دانش آموز مدتی مهلت می‌دهیم تا رفتار خود را اصلاح کند.

۲ـ اخطار نباید ناشی از کینه و حسد باشد.

۳ـ اخطار باید از روی محبت و خیرخواهی باشد.

٤ـ اگر تربیت شونده در اخطار به خطای خود پی برد و عذر خواست عذر او را بپذیریم.

٥ـ بهتر است اخطار در خفی باشد.

٦ـ اخطار باید از روی علم و آگاهی و با آینده نگری باشد.

ط ـ اخراج:

شدیدترین مرحله تربیت غیر بدنی اخراج است یعنی اگر مراحل هشت گانه قبلی را انجام دادیم و شاگرد هدایت نشد نوبت به اخراج است. اخراج از یک کلاس به کلاس دیگر و یا از یک مدرسه به مدرسه دیگر. اخراج نیز یک وسیله تربیتی است و هدف این است که تربیت شوند اصلاح شوند. بعضی از روانشناسان معتقدند که تغییر محیط تربیتی باعث دگرگونی روحی تربیت شونده می‌شود و او را به راه رشد می‌رساند به هر حال اخراج از مدرسه نهایت مرحله تربیتی تنبیه غیر بدنی است. معلم باید در این مرحله با والیاء تربیت شونده

صحبت نماید مسائلی را که بر او گذشته است برای آنها توضیح دهد تا آنها در جریان امر تربیتی قرار گیرند و تفهیم شوند که به نفع فرزندانشان است به نفع فرزندان است.

بهتر است در مدارس تنبیه بدنی صورت نگیرد و سعی شود از این راه‌های نه گانه به نوعی استفاده کرد که بتوان بهره گرفت درصدد اصلاح برآمد.

ام ای تی وی و هاروارد: مطالبی که بیان می‌کنید بار اول شنیده می‌شود بار دوم درک می‌شود بار سوم یادگرفته می‌شود.

۱۱۰ نکته طلایی معلمان موفق و خلاق

۱ـ سعی کنید به رشد و کمال علمی و اخلاقی خود بیفزاید و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نورزید و همواره اهل مطالعه و دارای معلومات جدید باشید.

۲ـ سعی کنید زمان را خوب مدیریت نمایید.

۳ـ سعی کنید کلاس را اداره نکنید بلکه آنرا هدایت نمایید.

٤ـ سعی کنید از کار یکنواخت پرهیز کنید و کارهایتان متنوع باشد.

٥ـ سعی کنید از تلفیق چند روش در تدریس استفاده تا کلاسی پر نشاط داشته باشد.

٦ـ سعی کنید شکست را پایان کار ندانید بلکه آنرا خوب تجزیه و تحلیل کرده و تبدیل به فرصت نماید.

۷ ـ سعی کنید مشکلات را ابتدا عیب یابی و سپس به راه حل آن بپردازید.

۸ ـ سعی کنید از انتقام پرهیز کنید و آنرا به عنوان یک ابزار انتخاب نکنید.

۹ ـ سعی کنید با یک یک شاگردان ارتباط صمیمی داشته باشید و نام هر یک از آنها را بخاطر بسپارید.

۱۰ ـ سعی کنید هر چه می‌گویید به آن عمل کنید.

۱۱ـ او در شناخت خویش از جنبه‌های جسمانی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی و نیازها و مشکلات توانایی دارد.

۱۲ـ او به خودسنجی و ارزشیابی از فرد اهمیت می‌دهد.

۱۳ـ او در شناخت دانش آموزان در تمامی جنبه‌های جسمانی، عاطفی، اخلاقی توانایی دارد.

۱٤ـ او اصول حاکم بر یادگیری را می‌شناسد و سعی می‌کند از آنها در تدریس و تربیت استفاده کند.

۱۵ـ او بسیار فعال، پر حرارت و شاداب است و دوست دارد این حرارت و شادابی را در فضای کلاس ایجاد نماید.

۱٦ـ او به ظرافت‌های تربیت آشنایی دارد و در اجرای اصول تعلیم و تربیت و ایفای نقش خویش جدی است.

۱۷ ـ او تجربیات و اندوخته‌های خود را به رشته تحریر درمی آورد و آنرا در اختیار سایر همکاران قرار می‌دهد.

۱۸ ـ او مدیر خوبی است و در اداره کلاس مهارت کامل دارد.

۱۹ او در برخورد با همکاران و دانش آموزان با ادب است و

می‌کوشد روابطی حسنه همراه با احترام با آنها داشته باشد.

۲۰ ـ او در تقویت ایمان خود به خداوند می‌کوشد و در انجام فرایض دین ساعی است.

۲۱ـ خود را محرم اسرار دانش آموزان می‌داند.

۲۲ـ خود را ملزم به اجرای قوانین و مقررات مدرسه می‌داند.

۲۳ـ خود را الگوی کامل، اخلاقی، اجتماعی و... دانش آموزان می‌داند.

۲٤ـ خود را عادت می‌دهد که از دادن القاب قبیح و زشت بر شاگردانش پرهیز می‌کند.

۲۵ـ خود را عادت می‌دهد که بیش از اندازه از خودش و شاگردانش تمجید نکند.

۲٦ـ خود را عادت می‌دهد که به محض به صدا درآمدن زنگ دانش آموزان را بیرون بفرستد.

۲۷ ـ خود را ملزم می‌داند که قاضی عادلی باشد و از قدرت خود سوء استفاده نکند.

۲۸ ـ خود و شاگردان را عادت می‌دهد که از حفظ کردن مطالب بپرهیزند بلکه آنرا درک کنند.

۲۹ ـ خود را عادت می‌دهد که مخالفت دیگران با وی می‌تواند پله‌ای برای صعود باشد نه سقوط.

۳۰ ـ خود و شاگردانش را به گردش در طبیعت و سیر و سفر عادت می‌دهد.

۳۱ـ در کلاس از تکیه کلام می‌پرهیزد.

۳۲ـ در کلاس رقابت سالم ایجاد می کند.

۳۳ـ در کلاس شاگردان را با ذکر مطالبی نسبت به کلاس و درس دلسرد نمی کند.

۳٤ـ در کلاس و تدریس جذابیت ایجاد می کند.

۳۵ـ در کلاس از افکار شاگردان بهره می گیرد و با آنها مشورت می کند.

۳٦ـ در کلاس و تدریس به تفاوت‌های فردی اهمیت می‌دهد.

۳۷ ـ در کلاس از فرآیند تقسیم کار خوب استفاده می کند.

۳۸ ـ در کلاس از لبخند به عنوان یک ابزار قوی استفاده می کند.

۳۹ ـ در کلاس به فضای فیزیکی اهمیت می‌دهد و تنوع را دوست دارد.

٤۰ ـ در کلاس از روش‌های مختلف تشویق و تنبیه به موقع استفاده می کند.

٤۱ـ امتحان و ارزشیابی‌های مختلف را در اوقات معین و مشخص به عمل می‌آورد.

٤۲ـ امتحان را وسیله‌ای برای گرفتن زهر چشم از شاگردان نمی داند.

٤۳ـ امتحان را بعنوان ابزاری جهت رفع معایب تدریس خود می‌داند.

٤٤ـ امتحان را پایان کار آموزش به حساب نمی آورد بلکه آن را مبنای کار آینده آنها می‌داند.

٤۵ـ امتحان و ارزشیابی را از قبل مشخص و چگونگی و هدف از

آن را بیان می کند.

٤٦ـ امتحان را طوری برگزار می کند که استرس و اضطرابی ایجاد نکند.

٤٧ ـ امتحان و نتایج آنرا وسیله مجازات کردن و سرافکنده ساختن دانش آموزان نمی داند.

٤٨ ـ امتحان و ارزشیابی را صرفاً برای نمره نمی داند و نمرات رابیهوده بالا نمی برد و قبول دارد که دانش آموز فراتر از نمره است

٤٩ ـ امتحان را مختصر و مفید به انجام می‌رساند زیرا این چیزی است که بچه‌های امروزی به آن عادت دارند.

٥٠ ــ امتحان و ایام امتحانات را با دیگر معلمان هماهنگ می کندزیرا دلیلی ندارد دانش آموزان از چند جهت آماج امتحان قرار گیرند. امتحان را طوری طراحی و برنامه ریزی می کند که خوشایند برای شاگردان باشد.

٥١ـ معلم ما تا جایی که امکان دارد از تنبیه بدنی خودداری می کند.

٥٢ـ معلم ما شاگردانش را با القاب بد صدا نمی کند بلکه با احترام از آنها یاد می کند.

٥٣ـ معلم ما عالی‌ترین و پاک‌ترین لباس‌ها که نه بدآموزی داشته باشد و نه پیروی از مدهای آنچنانی باشد می‌پوشد.

٥٤ـ معلم ما به نظافت خود ـ کلاس ــ شاگردان و مدرسه اهمیت می‌دهد.

٥٥ـ معلم ما بخوبی ایجاد انگیزه جهت پیشرفت تحصیلی شاگردان

و علاقمند کردن آنها به تحصیل علم را انجام می‌دهد.

٥٦ـ معلم ما راز نگه دار است و می‌تواند مشاور خوبی برای درد دل شاگردان باشد.

٥٧ ـ معلم ما معتقد است که انسان‌ها با هم متفاوت اند.

٥٨ ـ معلم ما در صورتیکه در چهره شاگردان احساس خستگی مشاهده کند از ادامه تدریس خودداری و سعی می‌کند کلاس را با شیوه‌های دیگر پر بار نماید.

٥٩ ـ معلم ما در هنگام تدریس حالت یکنواخت ندارد و در یکجا نمی نشیند بلکه گاهی بلند شده و تحرک دارد و تن صدا را هم عوض می کند.

٦٠ ـ معلم ما به طرح درس اهمیت می‌دهد و مطابق آن عمل می کند.

٦١ـ معلم ما به مشکلات فردی دانش آموزان توجه دارد و در صورتی نتواند آنرا حل کند از دیگر کارکنان مدرسه و متخصصان کمک می گیرد.

٦٢ـ به دوره کردن دروس گذشته اهتمام می‌ورزد و در رفع موارد مبهم می کوشد.

٦٣ـ به حضور و غیاب دانش آموزان اهمیت می‌دهد و علل غیبت و تأخیر آنها را بررسی می کند.

٦٤ـ به درست گفتن، درست نشستن، درست نوشتن، درست راه رفتن شاگردان توجه دارد می کوشد

٦٥ـ به آموختن مهارت‌های آنان در تندنویسی، تند خوانی

و... کمک کند.

۶۶ـ به مطالعه سایر کتب می‌پردازد و اسیر کتابهای درسی نیست.

۶۷ ـ به کار معلمیش علاقه دارد و می کوشد دانش آموزان را به پذیرش این نقش درآینده متناسب با استعداد خودشان ترغیب می‌نماید.

۶۸ ـ به ارزش علم و اثر آن در زندگی تأکید دارد و از علمای علمی و اسلامی با احترام یاد می کند.

۶۹ ـ به اهمیت وسایل کمک آموزشی در تدریس معتقد است و سعی می کند مدرسه وسایل آزمایشگاهی و کارگاهی مجهز داشته باشد.

۷۰ ـ

۷۱ـ علاوه بر تدریس در پرورش اخلاق و تقویت روحیه مذهبی دانش آموزان می کوشد.

۷۲ـ علاوه بر تدریس، مهارت‌های زندگی را به فراگیران می آموزد.

۷۳ـ علاوه بر تدریس آنان را تشویق به پرورش بدن و تقویت قوای جسمانی می‌نماید.

۷۴ـ علاوه بر تدریس، آنان را با مهارت‌های شهروندی و مقدمات آن آشنا می‌سازد.

۷۵ـ علاوه بر تدریس، دانش آموزان را فعال و منظم بار می‌آورد.

۷۶ـ علاوه بر تدریس، قوه ابتکار و خلاقیت را در آنان تقویت می کند.

۷۷ـ علاوه بر تدریس به نظرات و پیشنهادهای دانش آموزان توجه می کند و عقاید صحیح آنان را می‌پذیرد و تقویت می کند.

۷۸ـ علاوه بر تدریس، در گروه‌های آموزشی و شوراهای مختلف مدرسه فعالانه شرکت می کند. و به نظرات و دیدگاههای خود در زمینه آموزش و پرورش می‌پردازد.

۷۹ـ علاوه بر تدریس، دین را به عنوان یک ابزار بسیار مهم و کاربردی در زندگی دانش آموزان می‌داند.

۸۰ ـ علاوه بر تدریس، مشکلات را ساده می‌سازند و هرگز چیزهای ساده را مشکل نمی کنند.

۸۱ـ در پرسش از دیگران فقط از عده‌ای خاص سؤال نمی پرسد.

۸۲ـ در پرسش از دیگران، فقط از فراگیرانی که مدام فعال اند و دستشان را بالا می گیرند نمی پرسد.

۸۳ـ در پرسش از دیگران، به گونه‌ای پرسش می کند که به طبقات دیگر شناختی مانند فهمیدن و کاربرد و... آنها اهمیت داده شود.

۸٤ـ در پرسش از دیگران، از انجام حرکات اضافی پرهیز می کند مانند نگاه به بیرون کلاس یا کتاب یا شخص خاص

۸۵ـ در پرسش از دیگران، سؤال هایی مطرح می کند که جواب آن مستلزم تفکر است.

۸٦ـ در پرسش از دیگران، سؤال‌ها را از افرادی خاص نمی پرسد بلکه همه دانش آموزان را در این زمینه دخالت می‌دهد و از این رو کلاسی فعال و زنده دارد.

۸۷ ـ در پرسش از فراگیران شرایط روحی فرگیران را در نظر

می گیرد.

۸۸ ــ در پرسش از فراگیران پاسخ‌های صحیح آنها را تأیید و تشویق می کند.

۸۹ ـ در پرسش از فراگیران اهداف درسی را در نظر می گیرد.

۹۰ ـ در پرسش از فراگیران فضای صمیمی و با آرامش و پر نشاطی را ایجاد می کند.

۹۱ـ در کلاسهایتان راجع به دانش آموزان سابق خود که موفق اند صحبت کنید تا مطمئن شوند که هنوز راه‌های رسیدن به موفقیت را از دست نداده‌اند.

۹۲ــ در کلاسهایتان از دانش آموزان در جمع تعریف و دور از چشم دیگران انتقاد کنید هرگز در جمع بچه‌ها، را تحقیر نکنید.

۹۳ـ در کلاسهایتان همیشه چند چیستان یا معما داشته باشید برای شاگردان که همیشه زودتر کار و تکالیف خود را به اتمام رسانند.

۹٤ـ در کلاسهایتان برنامه ریزی زمانی دوره مطالعه را به جای آخر کلاس، در اول کلاس انجام دهید چون هم کلاس شاداب خواهد بود و کمتر از اوضاع و احوال ساعت سؤال می‌پرسند.

۹۵ـ در کلاسهایتان دوربین به همراه داشته باشید. معمولاً لحظات زیبایی وجود دارد که قابل ضبط اند که می‌توان عکس گرفت و در اینترنت وارد کرد.

۹٦ـ در کلاسهایتان، منکر حفظ کردن نباشید. گاهی اوقات مطالبی در کلاس حفظ می‌شود که تا پایان عمر هم کاربرد دارد، هم در حافظه می‌ماند.

۹۷ ـ در کلاسهایتان در شیفت‌های بعد از ظهر که دانش آموزان تازه ناهار خورده‌اند ممکن است خواب آلود یا بی‌حال باشند تا جایی که امکان دارد تمرینات ساده و منظم ورزشی در کلاس انجام دهید.

۹۸ ـ در کلاسهایتان جای شاگردان را گاه گاهی عوض نمایید و اجازه ندهید بر اساس حروف الفبا یا قد پشت سر هم قرار گیرند.

۹۹ ـ در کلاسهایتان مثل بچه‌ها فکر کنید مثل بزرگسالان عمل.

۱۰۰ ـ در کلاسهایتان پا به پای فناوری‌ها پیش بروید، اگر به روز نباشد سریعاً در کلاس‌های امروزی اهمیت خود را از دست می‌دهید.

۱۰۱ـ هر گاه چیزی را نمی دانید اذعان کنید و راحت نمی دانم را به زبان بیاورید، دانش آموزان از انسان‌های زندگی واقعی، راحت تر یاد می گیرند تا اسطوره ها.

۱۰۲ـ هر گاه بیمار شدید در منزل بمانید، مرخصی استعلاجی برای این روزهاست آیا درست است فردی بیمار به فرزند شما درس بدهد.

۱۰۳ـ هر گاه چیز جدیدی آموختید به شاگران بیاموزید و سعی کنید هر روز چیز جدیدی داشته باشید.

۱۰٤ـ هر گاه احساس خستگی و خواب کردید از کلاس خارج و تجدید قوا کنید.

۱۰۵ـ هر گاه از مشاغل دیگر تعریف کردید در آخرش بگو معلمان تمدن و فرهنگ را نجات می‌دهند پس می‌توانند قهرمان باشند.

۱۰٦ـ هر گاه لازم دیدید والدین بچه‌ها را به مدرسه دعوت کنید آنها عزیزترین کسانشان را به شما سپرده‌اند.

۱۰۷ ـ هر گاه کاری در کلاس انجام می‌دهید دلیل داشته باشید نه

بهانه

۱۰۸ ـ هر گاه دانش آموزان صف می‌بندند همیشه پشت صف باشید بهتر است ببینید چیزی جلو روی شما اتفاق می‌افتد نه آنکه به پشت سر شما اتفاق می‌افتد اعتماد کنید.

۱۰۹ ـ هر گاه احساس کردید کلاس شلوغ است یا توجه نمی کنند طرز نشستن آنها را به شکل U درآورید. اثر معجزه آسای آنرا خواهید دید.

۱۱۰ ـ هر گاه خواستید بنا به هر دلیلی کلاس را ترک کنید دانش آموزان را در جریان بگذارید.

کلارک: «قدرت بیکران تغییر همیشه در مغزها، دست‌ها و قلب‌های معلمانی بوده است که در مدرسه کار کرده‌اند».

فهرست منابع:

۱ـ ملکی حسن، صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمی، نشر مدرسه ۱۳۸۸
۲ـ نقیه مجید، ظرافت‌های معلمی، انتشارات گاج ۱۳۸۹
۳ـ نصری عبدالله، سیمای انسان کامل، نشر جهاد دانشگاهی ۱۳٦۳
٤ـ رحال زاده، رضا، روش شناسی تدریس، انتشارات رامین ۱۳۷۵
۵ـ بلوم و همکاران، اصول طبقه بندی هدف‌های تربیتی، مترجم مسعود رضوی سال ۱۳٦٤
٦ـ سیف دکتر علی اکبر، روش‌های اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، نشر دوران ۱۳۷٦
۷ـ موریس، دبس، مراحل تربیت ترجمه دکتر کاردان، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۵
۸ـ شکوهی دکتر غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن ـ آستان قدس رضوی ۱۳٦٦
۹ـ امام نووی، آداب استاد و دانشجو، ترجمه سیف الله مدرس گرجی، انتشارات کردستان سال ۱۳۷۷
۱۰ـ فیل ریس، ۵۰۰ نکته در باره مطالعه، مترجمان: بیتا عسگری، گیتا عسکری، انتشارات مدرسه ۱۳۸۸
۱۱ـ سروری محمد حسین، روانشناسی تفاوت‌های فردی، انتشارات سخن ۱۳۷٤
۱۲ـ رابرت دی رمزی ۵۰۱ نکته برای معلمان ـ ترجمه مرتضی

مجدفر و وحید رضا نعیمی، انتشارات قدیانی۱۳۸۹
۱۳ـ قابضی علی جایگاه روش‌های تنبیه در تعلیم و تربیت ـ نشر فیض کاشانی ۱۳۷۵
۱٤ـ قائمی دکتر علی تربیت و بازسازی کودکان، نشر دارالتبلیغ قم ـ ۱۳٦۰
۱۵ـ سیف دکتر علی اکبر روان شناسی تربیتی چاپ پیام نور ۱۳۸۰
۱٦ـ مظاهری حسین (آیت الله) ویژگی‌های معلم خوب ـ چاپ انتشارات اسلامی قم ۱۳۸۵
۱۷ ـ دیوید فونتانا، کنترل کلاس ـ ترجمه حمزه ساده و دیگران، انتشارات رشد ۱۳۷۵
۱۸ ـ صافی احمد، سیمای معلم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۸۸
۱۹ ـ شعبانی دکتر حسن، مهارت آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت ۱۳۷۷
۲۰ ـ شعاری نژاد دکتر علی اکبر، روانشناسی رشد، انتشارات پیام نور ۱۳۷۷
۲۱ـ گلشن فومنی دکتر محمد رسول ـ جامعه شناسی آموزش و پرورش ۱۳۸۲
۲۲ـ روبرت تی ـ تابر ـ الفبای مدیریت کلاس ـ مترجم محمد رضا سرکار آیی، انتشارات مدرسه ۱۳۸۸
۲۳ـ صفوی امان الله، کلیات روش‌ها و فنون تدریس مراکز تربیت معلم کشور.